وصایای پیامبر (ص)

(مجموعه‌ی ۵۵ حدیث)

مؤلف:
حمزه محمد صالح عجاج
مترجم:
فاروق فتحی

بسم الله الرحمن الرحیم

وصایای پیامبر صلی الله علیه و سلم
(مجموعه‌ی ۵۵ حدیث)

سرشناسه	:	عجاج، حمزه محمدصالح Ajjaj, Hamzah Muhamamd salih
عنوان قراردادی	:	من وصایا الرسول (ص) خمس و خمسون. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	وصایای پیامبر / مولف حمزه‌محمدصالح عجاج؛ مترجم فاروق فتحی.
مشخصات نشر	:	سنندج: انتشارات کردستان، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۲۸ص.
شابک	:	۹۷۸-۹٦٤-۹۸۰-۰۷٤-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	فارسی-عربی.
موضوع	:	محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ـ ۱۱ق.ــ وصیتنامه
موضوع	:	محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ـ ۱۱ق.ــ کلمات قصار
موضوع	:	محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ـ ۱۱ق.ــ اندرزنامه‌ها
شناسه افزوده	:	فتحی، فاروق، ۱۳٤۸ -، مترجم
رده بندی کنگره	:	BP۱٤۲/ع۳م۸۰٤۱ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	:	۲۱۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	٤۵٤٦۸٦۱

وصایای پیامبر صلى الله عليه وسلم

(مجموعه‌ی ۵۵ حدیث)

مؤلّف:

حمزه محمد صالح عجاج

مترجم:

فاروق فتحی

انتشارات کردستان

سنندج

انتشارات کردستان
Kurdistan Publication
سنندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

وصایای پیامبر ﷺ

✓ نام کتاب:	وصایای پیامبر ﷺ
✓ مؤلّف:	حمزه محمد صالح عجاج
✓ مترجم:	فاروق فتحی
✓ ویراستار:	عثمان نقشبندی
✓ نوبت چاپ:	اول: ۱۳۸۹
✓ تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۱۲۸ صفحه‌ی رقعی
✓ ناشر:	انتشارات کردستان

قیمت: ۲۰۰۰ تومان
شابک: ۵ ــ ۰۷۴ ــ ۹۸۰ ــ ۹۶۴ ــ ۹۷۸
ISBN: 978 - 964 - 980 - 074 - 5

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم.. ۹
معرّفی.. ۱۳
مقدّمه... ۱۵
وصیت اول «فضیلت لا اله الا الله»........................ ۱۷
وصیت دوم «سفارشی فراگیر درباره‌ی یکتا پرستی»............ ۱۹
وصیت سوم «فضلِ جستجوی علم»............................ ۲۱
وصیت چهارم «حدیثی دیگر در فضیلت علم».................. ۲۳
وصیت پنجم «فضیلتِ سجده برای خدای بزرگ».................. ۲۴
وصیت ششم «فضیلت صدقه»................................. ۲۶
وصیت هفتم «فضیلتِ دو رکعت نماز چاشتگاه و سه روز روزه در هر ماه»............ ۲۹
وصیت هشتم «نماز تسبیح (صلاة التّسبیح)»................. ۳۲
وصیت نهم «از خداوند آمرزش و سلامت بخواهید»............ ۳۵
وصیت دهم «فضل روزه».................................... ۳۶
وصیت یازدهم «شرک نورزیدن به خدا»...................... ۳۸
وصیت دوازدهم «در ارکان اسلام»......................... ۴۰
وصیت سیزدهم «در نیکی کردن به پدر و مادر»................ ۴۲
وصیت چهاردهم «محافظت بر نماز و نیکی به پدر و مادر»...... ۴۴

وصیت پانزدهم «آن چه بعد از نماز گفته می‌شود» ۴۵
وصیت شانزدهم «آن‌چه که بعد از هر نمازی خوانده می‌شود» ۴۶
وصیت هفدهم «فضیلت ذکر» ۴۷
وصیت هجدهم «حدیثی دیگر در فضیلت ذکر» ۴۸
وصیت نوزدهم «ترکِ گناهان و چنگ زدن به طاعت و ذکر خدای تعالی» ۴۹
وصیت بیستم «فضیلت دو رکعت (سنّتِ پیش از) نماز صبح» ۵۳
وصیت بیست و یکم «رو برنگرداندن در نماز» ۵۵
وصیت بیست و دوم «فضیلت اخلاص» ۵۷
وصیت بیست و سوم «برای کسی که حاجت و نیازی در پیشگاه خدا دارد» ۵۹
وصیت بیست و چهارم «روی آوردن به خدا» ۶۱
وصیت بیست و پنجم «درخواست کردن (از مردم) با (سوگند دادنشان به نام)» ۶۳
وصیت بیست و ششم «فضیلت امّ القرآن (سوره‌ی فاتحه)» ۶۶
وصیت بیست و هفتم «در فضیلت بعضی از سوره‌های قرآن» ۶۹
وصیت بیست و هشتم «فضیلت سوره‌ی اخلاص و معوذتین (ناس و فلق)» ۷۴
وصیت بیست و نهم «فضل معوِّذتَیْن (دو سوره‌ی ناس و فلق)» ۷۶
وصیت سی‌ام «زنده کردنِ سنّتِ رسول خدا» ۷۷
وصیت سی و یکم «زهد و بی‌رغبتی به دنیا» ۷۹
وصیت سی و دوم «پناه گرفتن از آتش» ۸۲
وصیت سی و سوم «مردی از اهل بهشت» ۸۳
وصیت سی و چهارم «نماز استخاره (طلب کردن خیر در کاری)» ۸۴
وصیت سی و پنجم «دعا برای برطرف شدن غم و اندوه به اجازه‌ی خدا» ۸۷
وصیت سی و ششم «سجده‌ی زیاد تو را داخل بهشت می‌کند» ۹۰
وصیت سی و هفتم «غذا دادن و شایع ساختنِ سلام و شب زنده داری» ۹۲
وصیت سی و هشتم «در غذا دادن به همسایه» ۹۴

وصیت سی و نهم «در دوستی فقیران».. ۹۵
وصیت چهلم «شناساییِ فقر و نیازمندی».. ۹۷
وصیت چهل و یکم «تقوای خدای عزیز و جلیل».. ۹۸
وصیت چهل و دوم «راه‌های انفاق (بخشش)».. ۱۰۱
وصیت چهل و سوم «دعا برای از بین رفتنِ غم و پرداخت بدهی»........................ ۱۰۲
وصیت چهل و چهارم «دعایی که وقت خواب گفته می‌شود»........................ ۱۰۴
وصیت چهل و پنجم «کسی که شب‌ها دچارِ بی‌خوابی می‌شود»........................ ۱۰۷
وصیت چهل و ششم «زهد (بی‌رغبتی) در دنیا».. ۱۰۸
وصیت چهل و هفتم «کفّاره‌ی مجلس».. ۱۰۹
وصیت چهل و هشتم «در فضل تسبیح (سبحان‌الله گفتن)»........................ ۱۱۰
وصیت چهل و نهم «کاشتِ بهشت».. ۱۱۲
وصیت پنجاهم «دعای مصون ماندن از نیش عقرب»........................ ۱۱۳
وصیت پنجاه و یکم «دعا برای پرداخت بدهی».. ۱۱۵
وصیت پنجاه و دوم «دعایی دیگر برای ادای بدهی»........................ ۱۱۷
وصیت پنجاه و سوم «در دعا».. ۱۲۰
وصیت پنجاه و چهارم «حدیثی دیگر درباره‌ی دعا»........................ ۱۲۲
وصیت پنجاه و پنجم «وصیّت به ایجاد جاهای نماز (مساجد) در خانه‌ها».......... ۱۲۳
خاتمه‌ی وصیت‌ها.. ۱۲۴

مقدمه‌ی مترجم

به نام آن‌که جان را فکرت آموخت

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ وَ نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِي اللّٰهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ و صَلَّى اللَّهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلىٰ آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

خداوند را سپاس می‌گویم که توفیق رفیق کرد و سعادت نصیب تا دمی در گلزار احادیث نبوی بیاسایم و از شمیم معنبر و معطّرِ آن، مشام خود را عطرآگین کنم و با مطالعه‌ی آن قوّه‌ی بصر خود را کحلی و از شیواییِ آن گوش خویش را آویزه‌ای سازم.

با مطالعه‌ی کتاب «من وصایا الرّسول خمس و خمسون وصية»، تألیف حمزه محمد صالح عجاج و با تشویق و ترغیب دوستان به ترجمه‌ی آن علاقه‌مند شده و به ترجمه‌ی لفظ به لفظ آن پرداختم؛ باشد که این بضاعت مزجاة مقبول بارگاه حضرت حق واقع شود.

در این کتاب، مؤلف به انتخاب شایسته‌ای از کتاب‌های «الترغیب و الترهیب» حافظ منذری و «ریاض الصّالحین» امام نووی و «التّاج الجامع للاصول» دست زده است و احادیثی را در موضوعات مختلف که همگان را

سودمند افتد انتخاب کرده است. درباره‌ی احادیث همین قدر می‌توان گفت که قلم از بیان سخنان گهربار رسول عاجز و بیان از إعلام اعجازِ بیان او قاصر است، چه: ﴿وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾، امّا چون احادیث از کتب صحاح ستّه روایت شده، مختصری درباره‌ی صحاح ستّه و سه نوع حدیث صحیح و حسن و غریب ذکر می‌شود.

صحاح ستّه (کتب صحیح احادیث نبوی)

۱. **صحیح بخاری**، تألیف ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (اهل بخارا)، متولّد ۱۹۴ هجری قمری و متوفّی ۲۵۶ هجری قمری است. شماره‌ی احادیث صحیحش از ۷۲۷۵ تا ۷۳۹۷ حدیث است که با حذف احادیث تکراری تقریباً ۴۰۰۰ حدیث می‌شود که بخاری در مدّت ۱۶ سال از میان شصت هزار حدیث استخراج کرده است. مهم‌ترین شروح آن فتح الباری و ارشاد الساری است.

۲. **صحیح مسلم**، تألیف ابوالحسن مسلم بن حجّاج نیشابوری، متولّد ۲۰۴ یا ۲۰۶ هجری قمری و متوفّی ۲۶۱ هجری قمری. شماره‌ی احادیث آن را بعضی ۱۲ هزار و بعضی دیگر هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج حدیث گفته‌اند.

۳. **سنن ابوداود**، تألیف سلیمان بن اشعث سیستانی، متولّد ۲۰۲ هجری قمری و متوفّی ۲۷۵ هجری قمری. شامل ۴۸۰۰ حدیث است.

۴. **سنن ابن‌ماجه**، تألیف ابوعبدالله محمد بن یزید رِبعی قزوینی، متولّد ۲۰۹ هجری قمری و متوفّی ۲۷۳ هجری قمری. شامل ۱۵۰ باب و چهار هزار حدیث است.

۵. **جامع ترمذی،** تألیف حافظ ابوعیسی محمّد بن عیسی ترمِذی، متولّد ۲۰۹ هجری قمری و متوفّی ۲۷۹ هجری قمری. احادیثش از صحاحِ دیگر کم‌تر و دارای تکرار کم‌تری است.

۶. **سنن نسائی،** تألیف ابوعبدالرّحمن احمد بن علی نسائی متوفای ۳۰۳ هجری قمری است که دارای ۵۱ فصل و هر فصل دارای چندین باب است و در آن‌ها بیشتر به عبادت توجه شده است.

حدیث صحیح: حدیثی است که سندش متّصل باشد و راویان عادل و باحافظه و دقیق آن را روایت کرده باشند و حدیث غیر شاذّ بوده، حدیثی موجود نباشد که با آن مخالف باشد.

حدیث حسن: آن است که راویانش از حیث صدق و امانت مشهور باشند، ولی ضبط و حفظشان غیرکامل است و حدیث به درجه‌ی حدیث صحیح نرسیده است.

حدیث غریب: حدیثی است که راوی آن تنها یک نفر باشد یا تنها یک نفر در میان جامعین حدیث یک قسمت مهم آن را روایت کند. این نوع را فرد نیز گفته‌اند.[1]

فاروق فتحی

جوانرود شهریور ماه ۷۵

---

۱. فقه السنة، ترجمه‌ی دکتر محمود ابراهیمی ج اول، مقدّمه و نیز مقدّمه‌ی ترجمه‌ی ریاض الصّالحین، انتشارات کردستان.

معرّفی

سپاس خداوند را و درود او بر بندگانش، آنانی که خود برگزیده و بر بهترین پیامبر، سیّد ما محمّدﷺ که برگزیده است و از جانب پروردگارش بر او نازل شده که: ﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (ما تو را جز به عنوان رحمت برای جهانیان نفرستادیم) و از جانب خدا بر او نازل شده: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (بی‌گمان پیغمبری از خود شما به سویتان آمده است که هرگونه درد و رنج و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می‌آید، به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است). بنابراین، محمدﷺ در کردار و گفتارش راهنماینده به سوی تمامِ نیکی‌ها و برحذردارنده از تمام بدی‌ها بود و دعوت کننده به سوی خدا به اجازه‌ی خود او و چراغی روشنگر بود.

این رساله، پنجاه و پنج وصیت از وصایای رسولﷺ است که آن را برادر شیخ حمزه محمد صالح عجاج از کتاب‌های حدیث انتخاب کرده است تا که یادآوری‌ای باشد برای اهل ایمان ـ خداوند از جانب مسلمانان پاداش نیکی به او دهد و البتّه هم به هر انسانی در برابر کردارش پاداش داده می‌شود؛ اگر کردارش نیک باشد، پاداشش نیک است و اگر کردارش بد باشد، پاداشش

نیز بد است. پس کتاب پروردگارتان را بخوانید و در آن تدبر و تفکر کنید، چون که او شما را به ده وصیت در سوره‌ی انعام و به دوازده وصیت در سوره‌ی اسراء وصیت کرده است و شما را به وصایای فراوانی در سوره‌ی‌های قرآن کریم وصیّت کرده است، قرآنی که هیچ گونه باطلی از هیچ جهتی و نظری متوجه آن نمی‌گردد (نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است و نه علوم راستین و اکتشافاتِ درستِ پیشینیان و پسینیان مخالف با آن است و نه دستِ تحریف به دامان بلندش می‌رسد)، چراکه قرآن فرو فرستاده‌ی خدای با حکمت و ستوده است؛ و نیز، وصیت‌های رسولﷺ را بخوانید و در آن بیندیشید و آن را محکم بگیرید، زیرا که کسی که به راه و روش پیامبرﷺ محکم چنگ زند، به حقیقت به رستگاری بزرگی دست یافته است و کسی که از هدایت روی برگرداند، به راستی دچار زیان آشکاری شده است: «چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجرا کنید و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است دست بکشید». خداوند ما و شما را از کسانی قرار داد دهد که به همه‌ی سخنان گوش فرا می‌دهند و سپس از نیکوترین و زیباترین آن‌ها پیروی می‌کنند تا از کسانی باشیم که پاداش نیکو از جانب خدایشان بدانان وعده داده شده است و او ایشان را با فضل خود وارد سرای اقامت می‌کند که آنان خواهان نقل مکان از آن‌جا نیستند و از آن‌چه نفس‌هایشان آرزو کند جاودانه برخوردارند و سلام بر فرستادگان، و سپاس و ستایش خداوند پروردگار جهانیان راست.

امیدوار رحمت پروردگار بخشنده:

احمد عبدالجواد

مقدّمه

ستایش و سپاس خداوند پروردگار جهانیان راست و سلام و درود بر سید ما، محمد، اشرف فرستادگان و بر آل یاران او باد. باری، من، در کتاب‌های حدیث، بعضی از سفارش‌های پیامبرﷺ را ـ که به بعضی از یارانش ـ خدای تعالی از ایشان راضی باد ـ فرموده است ـ خواندم و علاقه‌مند شدم که بعضی از آن‌ها را در کتاب کوچکی جمع کنم و بنابراین، پنجاه و پنج وصیت از آن‌ها را از کتاب «الترغیب و الترهیب» حافظ منذری و کتاب «ریاض الصالحین» امام نووی و کتاب «التاج الجامع للاصول» انتخاب کردم. این وصیت‌های با ارزش و شریف اگرچه خطاب به بعضی از اصحاب گفته شده است ولی شامل حال تمام مسلمانان می‌شود و برای آنان است. این احادیث به خالص کردن عبادت برای خدای پاک و بزرگ و شرک نورزیدن به او تشویق می‌کند و آن‌چه را که در فضیلتِ لا اله الا الله گفتن، سجده بردن برای خدای عزیز و جلیل، فضل روزه، نماز، شب زنده‌داری، جستجوی علم، صدقه و سبحان‌الله گفتن آمده است، روشن می‌سازد و هم‌چنین، به جلب کردن رضایت پدر و مادر و اخلاق نیکو و بزرگ و رعایت صله‌ی رحم و رعایت حال همسایگان و طعام دادن و دوست داشتن فقیران و دیگر اعمالِ شایسته‌ی مانند این‌ها، تحریض و تشویق می‌کند.

گاهی هم من بعضی از احادیث روایت شده در همان معنا و موضوع را برای ازدیاد فایده ذکر کرده‌ام و از خداوند می‌خواهم تمام اعمالمان را شایسته و مقبول گرداند و آن را خالص و تنها برای رضای خود قرار دهد و ما را از محتوای این وصایا بهره‌مند فرماید و عمل کردن بدانها را روزی ما گرداند، که خداوند هدایتگر است به راه راست، و سلام و درود خدا بر سید ما، محمد، و خاندان و یاران او باد.

مدینه‌ی منوره

حمزه محمد صالح عجاج

بسم الله الرحمن الرحيم

الوصية الأولى

فضلُ «لا إله إلا اللّه»

عن أبي هُرَيْرةَ رضي الله عنه قالَ: قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفاعَتِكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ؟ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَقَدْ ظَنَنْتُ يا أَبَاهُرَيْرَةَ أَنْ لَا يَسْأَلَني عَنْ هـذا الْحَدِيثِ أَحَدٌ أَوَّلَ مِنْكَ لِما رَأَيْتُ مِنْ حِرْصِكَ عَلَى الْحَدِيثِ؛ أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتي يَوْمَ الْقِيامَةِ مَنْ قالَ: لَا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصاً مِنْ قَلْبِهِ، أَوْ نَفْسِهِ»[1].

وَ إتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ نَرْوِي الْحَدِيثَ الْآتي:

عَنْ عُبَّادَةِ بْنِ الصَّامِتِ رضي الله عنه عَنِ النَّبيِ ﷺ قَالَ: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَريكَ لَهُ وَ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ أَنَّ عِيسَى عَبْدُاللّٰهِ وَرَسُولُهُ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ، وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ، عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ»[2].

زادَ جُبادَةُ: «مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمانِيَةِ أَيُّها شاءَ».

وَفي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ وَالتِّرْمِذِيِّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقولُ: «مَن شَهِدَ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمّداً رَسُولُ اللَّهِ حرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ».

---

١. رواه البخاري.

٢. رواه البخاري و اللفظ له، و مسلم.

وصیت اول

«فضیلت لا اله الا الله»

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول خدا! روز قیامت چه کسانی خوشبخت‌ترین و جلوترین مردم برای شفاعت تو هستند؟ رسول خداﷺ فرمود: ای اباهریره! یقین داشتم که هیچ کس پیشتر از تو درباره‌ی این سخن از من نمی‌پرسد، چراکه از حرصِ تو به حدیث آگاهم؛ سعادتمندترین و جلوترین مردم برای شفاعت من در روز قیامت کسی است که «لا اله الا الله» را از روی خلوصِ قلب، یا نفسش بگوید».

برای فایده‌ی بیشتر، حدیثی دیگر را هم روایت می‌کنیم.

از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت شده که پیامبرﷺ فرموده: «کسی که شهادت بدهد هیچ خدایی جز خدای یکتا وجود نداشته، او شریکی ندارد و محمّد بنده و فرستاده‌ی اوست و عیسی بنده‌ی خدا و فرستاده و کلمه‌ی اوست که آن را به مریم القا کرده است و روحی است از جانب او، و بهشت و جهنم حق است، خداوند او را داخل بهشت می‌کند هر عملی هم انجام داده باشد».

حباذه این را نیز اضافه کرده است: «از درهای هشتگانه‌ی بهشت، از هر در که بخواهد خدا او را وارد بهشت می‌کند».

حدیث را بخاری روایت کرده و لفظ حدیث هم از اوست؛ مسلم نیز آن را روایت کرده است.

در روایت دیگری از مسلم و ترمذی این گونه آمده است: از پیامبرﷺ شنیدم که فرمود: «هرکس شهادت بدهد که هیچ معبودی جز خدا وجود ندارد و محمد فرستاده‌ی اوست، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌کند».

اَلوَصيّةُ الثَّانِيَةُ

«وَصِيَّةٌ عَامَّةٌ فِي التَّوْحِيدِ»

عَنِ ابنِ عبّاسٍ رضي الله عنهما قالَ: كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: «يا غُلَامُ! إنّي أُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ: اِحْفِظِ اللّٰهَ يَحْفَظْكَ، اِحْفَظِ اللّٰهَ تَجِدْهُ تُجاهَكَ، إذٰا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللّٰهَ، وَ إِذَا استَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللّٰهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَ لَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، جُفَّتِ الْأَقْلَامُ وَ رُفِعَتِ الصُّحُفُ».[1]

و في رِوَايَةِ غَيْرِ التِّرْمِذِي: «اِحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمٰامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَى اللّٰهِ في الرَّخٰاءِ يَعْرِفْكَ فِي الشِّدَةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مٰا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَ أَنَّ الفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَ أَنَّ مَعَ العُسْرِ يُسْراً».

وصیت دوم

«سفارشی فراگیر دربارهٔ یکتا پرستی»

از عبدالله بن عباس ـ خداوند از هر دوی آنان راضی باد ـ روایت شده است که گفت: روزی پشت سر پیامبر ﷺ بودم، فرمود: «ای جوان! من سخنانی به تو یاد می‌دهم؛ خداوند (امر و نهیِ خدا) را حفظ کن خداوند هم تو را حفظ می‌کند؛ خدا (امر و نهی خدا) را نگهداری کن او را روبه‌روی

---

۱. رواه الترمذي و قال حديث حسن صحيح.

خود[1] می‌یابی. هرگاه چیزی خواستی، از خدا بخواه و هرگاه کمک می‌خواهی از خدا بخواه؛ بدان که اگر همه‌ی مردم اجتماع و اتفاق کنند که به تو اندک سودی برسانند، به تو فایده‌ای نخواهند رساند مگر آن‌چه را که خداوند برایت نوشته و تقدیر کرده است و اگر تمام مردم جمع شوند که به تو ضرری برسانند، به تو زیانی نخواهند رساند مگر آن‌چه که خداوند بر تو نوشته و تقدیر کرده است؛ قلم‌ها خشک و نامه‌ها (ی سرنوشت) برداشته شده‌اند. (هر چیزی مقدّر شده است)».

ترمذی آن را روایت کرده و گفته است حدیثی حسن و صحیح است و در روایتِ غیرِ ترمذی هم حدیث چنین آمده است:

«خدا (امر و نهیِ خدا) را حفظ کن خدا را محافظ و یاور خود می‌یابی، در وقت خوشی و آسایش، خودت را به خدا بشناسان (خدا را به یادآور و با عبادت و اطاعت به او نزدیک شو) خدا نیز در وقتِ شدّت و سختی خود را به تو خواهد شناساند (یاری‌ات می‌کند). بدان آن‌چه که ازآنِ تو نشده (تقدیر نبوده که به تو برسد و) هرگز به تو نخواهد رسید و آن‌چه به تو رسیده (مقدر شده که به تو برسد و) قطعاً از تو نخواهد گذشت و بدان که پیروزی همراه صبر است و گشایش و رهایی با اندوه و مشقت است و به راستی که همراه سختی آسانی‌ای هست».

---

۱. خدا را محافظ خود می‌یابی.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّالِثَةُ

«فَضْلُ الْعِلْمِ»

عَنْ قَبِيصَةَ بْنِ الْمَخَارِقِ رضی الله عنه قالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا قَبِيصَةُ! مَا جَاءَ بِكَ؟ قُلْتُ: كَبُرَتْ سِنِّي وَ رَقَّ عَظْمِي فَأَتَيْتُ لِتُعَلِّمَنِي مَا يَنْفَعُنِي اللَّهُ تَعَالىٰ بِهِ فَقَالَ: «يَا قَبِيصَةُ! مَا مَرَرْتَ بِحَجَرٍ وَ لَا شَجَرٍ وَ لَا مَدَرٍ إِلَّا اسْتَغْفَرَ لَكَ، يَا قَبِيصَةُ إِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ، فَقُلْ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، تُعَافَى مِنَ الْعَمَى وَالْجُذَامِ وَالْفَلَجِ، يَا قَبِيصَةُ! قُلْ: اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِمَّا عِنْدَكَ فَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ»[1].

هٰذِهِ الْوَصِيَّةُ الشَّرِيفَةُ تُدَلُّ عَلَى شَرَفِ طَلَبِ الْعِلْمِ وَ جَاءَ فِي حَدِيثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضی الله عنه قَالَ: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضىً بِمَا يَصْنَعُ، وَ إِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ، وَ إِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَاراً وَ لَا دِرْهَماً، إِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ»[2].

وصيت سوم

«فضلِ جستجوی علم»

از قبیصة بن مخارق رضی الله عنه روایت شده است که گفت: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدم، فرمود: «ای قبیصة! چه چیز باعث شد که به این‌جا بیایی؟ عرض کردم:

---

۱. رواه امام احمد.

۲. عن أبی‌الدرداء والترمذی و ابن‌حبان في صحيحه.

عمرم زیاد شده و پایم لب گور است، خدمت شما آمده‌ام تا چیزی را به من یاد دهی که خداوند بزرگ به سبب آن به من سودی برساند، فرمود: ای قبیصة! (به دلیل این که به جستجوی علم آمده‌ای)، از کنارِ هر سنگ و درختی و از هر جایی گذشته‌ای برایت استغفار و طلب آمرزش کرده است. ای قبیصة! هرگاه نماز صبح را خواندی، بگو: «سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» (خدای بزرگ، پاک منزه است و من او را سپاس و ستایش می‌گویم، از کوری و خوره و فلج در امان خواهی بود. ای قبیصة! بگو: «اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِمَّا عِنْدَكَ فَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ»: «خداوندا! من آن‌چه را که نزد توست از تو می‌خواهم. فضل و بخشش خود را بر من سرازیر کن و رحمتت را بر من فرو بار و از برکات و خیر فراوانِ خود بر من نازل کن». حدیث را امام احمد روایت کرده است.

این وصیت شریف، بر شرف و ارزش طلب علم دلالت می‌کند. در حدیث ابودرداءؓ آمده است که گفت: از رسول خداﷺ شنیدم که فرمود: «هرکس راهی را در جستجوی دانشی بپیماید، خداوند بر روی او راهی از راه‌های بهشت می‌گشاید و او را داخل بهشت می‌کند و فرشتگان بال‌های خود را برای دانش‌پژوهان می‌گسترانند به عنوان رضایت از کاری که آن‌ها انجام می‌دهند و آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است و ماهی‌ها در قعرِ آب، برای عالِمْ طلبِ آمرزش می‌کنند. برتری عالم بر عابد مانندِ برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است. در حقیقت، که دانشمندان و عالمان وارثان پیامبرانند و پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاشته‌اند بلکه آنان علم را به ارث گذاشته‌اند و هرکس که علم را فرا گرفت، بهره‌ی فراوانی برده است». این حدیث از ابودرداء و ترمذی و از ابن‌حبان در صحیحش[1] روایت شده است».

۱.ابن‌حبان کتابی در حدیث دارد به نام صحیح ـ مترجم.

اَلْوَصِيَّةُ الرَّابِعَةُ

«فِي فَضْلِ الْعِلْمِ أَيْضاً»

وَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ عَسَّالِ الْمُرَادِيِّ رضي الله عنه قالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ مُتَّكِيءٌ عَلىٰ بُرْدٍ لَهُ أَحْمَرَ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ! إِنِّي جِئْتُ أَطْلُبُ الْعِلْمَ، فَقَالَ: «مَرْحَباً بِطَالِبِ الْعِلْمِ، إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَتَحُفُّهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تُظِلُّهُ بِأَجْنِحَتِهَا، ثُمَّ يَرْكَبُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً حَتّٰى يَبْلُغُوا السَّمَاءَ الدُّنْيَا مِنْ مَحَبَّتِهِمْ لِمَا يَطْلُبُ»[1].

وصیت چهارم

«حدیثی دیگر در فضیلت علم»

از صفوان پسر عسال مرادی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: به نزد پیامبر ﷺ آمدم در حالی‌که او در مسجد جامه‌ی قرمز رنگش را به تن داشت و تکیه زده بود. عرض کردم: ای رسول خدا! من به طلب علم آمده‌ام. فرمود: «مرحبا به جستجوگر دانش! در حقیقت، فرشتگان طالب علم را احاطه می‌کنند و با بال‌هایشان او را در زیر سایه‌ی خود می‌گیرند و سپس، بر دوش یکدیگر بالا می‌روند تا به آسمان دنیا می‌رسند به سبب محبت و علاقه‌شان نسبت به آن‌چه که طالب علم می‌طلبد. احمد آن را روایت کرده است و هم‌چنین، طبرانی با اِسنادی نیکو و لفظ حدیث هم از اوست.

---

۱. رواه أحمد و الطبراني بإسناد جيد و اللفظ له.

الوَصِيَّةُ الْخامِسَةُ

«فُضْلُ السُّجودِ لِلّهِ تِعالىٰ»

عَنْ مَعْدانَ بْنِ أَبي طَلْحَةَ رضي الله عنه قالَ: لِقيتُ ثَوْبانَ (مَوْلىٰ رَسُولِ اللّـهِﷺ) فَقُلْتُ أَخْبِرْني بِعَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدْخِلُني اللهُ بِهِ الْجَنَّةَ، أَوْ قالَ: قُلْتُ: بِأَحَبِّ الأَعْمالِ إِلَى اللّهِ فَسَكَتَ، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ، ثُمَّ سَأَلْتُهُ الثّالِثَةَ فَقالَ: سَأَلْتُ عَنْ ذٰلِكَ النَّبيَّﷺ فَقالَ: «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ، فَإِنَّكَ لاتَسْجُدُ لِلّهِ سَجْدَةً إِلاّ رَفَعَكَ اللّهُ بِها دَرَجَةً وَ حَطَّ عَنْكَ بِها خَطيئَةً»[۱].

وَ إتماماً للفائدةِ نَروي الحَدثينِ الاِثْنَينِ:

اَلأَوَّلُ: عَنْ عُبادَةَ بْنِ الصّامِتِ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبيَّﷺ يَقُولُ: «ما مِنْ عَبْدٍ يَسْجُدُ لِلّهِ سَجْدَةً إِلّا كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها حَسَنَةً وَ مَحا عَنْهُ بِها سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ بِها دَرَجَةً، فَاسْتَكْثِرُوا مِنَ السُّجودِ»[۲].

اَلثّاني: عَنْ حُذَيْفَةَ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «ما مِنْ حالَةٍ يَكُونُ عَلَيْهَا الْعَبْدُ أَحَبَّ إِلَى اللّهِ مِنْ أَنْ يَراهُ ساجِداً يُعَفِّرُ وَجْهَهُ فِي التُّرابِ»[۳].

وصیت پنجم

«فضیلتِ سجده برای خدای بزرگ»

از معدان پسر ابوطلحه رضي الله عنه روایت شده است که گفت: به ثوبان، بنده‌ی آزاد شده‌ی رسول خداﷺ رسیدم و گفتم: از کرداری مرا آگاه کن که اگر آن را

---

۱. رواه مسلم و الترمذي عن ثوبان و أبي‌الدرداء.

۲. رواه ابن‌ماجه بإسنادٍ صحيح.

۳. رواه الطبراني في الأوسط.

انجام دهم، خداوند به وسیله‌ی آن کردار مرا وارد بهشت کند! یا می‌گوید: گفتم: از محبوب‌ترین اعمال نزد خدا مرا آگاه کن، و او سکوت کرد؛ سپس، باز هم این را از او خواستم و او دوباره ساکت شد. سپس، بار سوم همین را خواستم و وی گفت: من در این باره از نبی ﷺ پرسیدم، فرمود: بر تو باد که بسیار سجده کنی زیرا هر سجده‌ای که برای خدا می‌کنی قطعاً خداوند، به وسیله‌ی آن سجده، یک درجه تو را بالا می‌برد و خطا و گناهانت را از تو می‌زداید.

مسلم و ترمذی آن را از ثوبان و ابی‌درداء روایت کرده‌اند.

برای فایده‌ی بیشتر، دو حدیث دیگر هم روایت می‌کنیم:

حدیث اول: از عبادة بن صامت رضی الله عنه روایت شده است که او از نبی ﷺ شنیده است که می‌فرمود: «هیچ بنده‌ای برای خدا سجده‌ای نمی‌کند مگر این‌که خداوند در برابر آن سجده، برایش یک حسنه می‌نویسد و به سبب آن سجده یک گناهش را محو می‌کند و یک درجه او را بالا می‌برد؛ بنابراین، بسیار سجده کنید».

ابن‌ماجه با اسناد صحیح آن را روایت کرده است.

حدیث دوم: از حذیفه رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «در هیچ حالتی، بنده نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست که خدا او را در حال سجده ببیند که پیشانیش را به خاک می‌مالد[1]».

طبرانی در اوسط روایت کرده است.

۱.بر خاک مالیدنِ پیشانی، کنایه از نهایتِ خضوع و فروتنی برای خدای تعالی است.

اَلْوَصِيَّةُ السَّادِسَةُ

«فَضْلُ الصَّدَقَةِ»

عَنْ كَعْبِ بْنِ عَجْرَةَ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «يا كَعْبُ بْنُ عَجْرَةَ! إِنَّهُ لايَدْخُلُ الْجَنَّةَ لَحْمٌ وَ لا دَمٌ نَبَتا مِنْ سُحْتٍ، اَلنّارُ أَوْلىٰ بِهِ، يا كَعْبُ بْنُ عَجْرَةَ! اَلنّاسُ غادِيانٌ، فَغادٍ فِي فَكاكِ نَفْسِهِ فَمُعْتِقُها، وَ غادٍ فَموبِقُها، يا كَعْبُ بْنُ عَجْرَةَ! اَلصَّلاةُ قُرْبانٌ، وَ الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَ الصَّدَقَةُ تُطْفِىءُ الْخَطيئَةَ كَما يَذْهَبُ الْجَليدُ عَلَى الصَّفا»[1].

وَ عَنْ مَعاذِ بْنِ جَبَلٍ رضي الله عنه قالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ فِي سَفَرٍ، فَذَكَرَ الْحَديثَ إِلىٰ أَنْ قالَ فيهِ: ثمَّ قال ـ يعني النَّبِيُّ ﷺ: «أَلا أَدُلُّكَ عَلى أَبْوابِ الْخَيْرِ؟» قُلْتُ: بَلىٰ، يا رَسُولُ اللّهِ، قالَ: «اَلصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَ الصَّدَقَةُ تُطْفِىءُ الْخَطِيئَةَ كَما يُطْفِىءُ الْماءُ النّارَ»[2].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْحَديثَ الآتِي الَّذي رَواهُ الطَّبَرانِيُّ فِي الْكَبيرِ وَ الْبَيْهَقِيُّ قالَ: «قالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِىءُ عَنْ أَهْلِها حَرَّ الْقُبورِ وَ إِنَّما يَسْتَظِلُّ الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ»[3].

وَ رُوِيَ عَنْ مَيْمُونَةَ بِنْتِ سَعْدٍ أَنَّها قالَتْ: يا رَسُولَ اللّهِ! أَفْتِنا عَنِ الصَّدَقَةِ، فَقالَ: «إِنَّها حِجابٌ مِنَ النّارِ لِمَنِ احْتَسَبَها يَبْتَغِي بِها وَجْهَ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»[4].

---

۱. رواه ابن‌حبان فی صحیحه.
۲. رواه الترمذي و قال حديث حسن صحيح.
۳. الطبراني في الكبير و البيهقي عن عقبة بن عامر.
۴. رواه الطبراني

وصیت ششم

«فضیلت صدقه»

از کعب پسر عجرةؓ روایت شده که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «ای کعب پسر عجرة! گوشت و خونی که از حرام رشد کرده باشد، داخل بهشت نمی‌شود، آتش برای او شایسته‌تر است. ای کعب پسر عجرة! مردم دو گروهند: گروهی در پی نجات نفس خویشند و آن را نجات می‌دهند و گروهی دیگر هلاک کننده‌ی نفس خویشند. ای کعب پسر عجرة! نماز سبب نزدیکی (به خدا) است، و روزه سپر است (در برابر آتش جهنم)، و صدقه گناه را خاموش می‌کند چنان‌که شبنم یخ‌زده بر سنگ صاف ذوب می‌شود و می‌گذرد.

ابن‌حبان آن را در صحیحش روایت کرده است.

از معاذ پسر جبل روایت شده است که گفت: در سفری با نبیﷺ بودم. معاذ، سپس، حدیث بالا را ذکر کرد و گفت: نبیﷺ سپس، فرمود: آیا تو را به درهای خیر راهنمایی نکنم؟ گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمود: «روزه سپر است، و صدقه گناه را خاموش می‌کند چنان‌که آب آتش را خاموش می‌کند».

ترمذی آن را روایت کرده است حدیث حسن صحیح است.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث دیگری را که طبرانی در کتاب الکبیرِ خودش و نیز بیهقی روایت کرده‌اند؛ روایت می‌کنیم.

معاذ گفت که: رسول خداﷺ فرمود: صدقه گرمای قبرها را برای اهل قبر خاموش می‌کند و شخصِ باایمان روز قیامت فقط در سایه صدقه‌اش می‌آرامد».

طبرانی در کتاب الکبیر و بیهقی از عقبه پسر عامر روایت کرده‌اند.

از میمونه دختر سعد روایت شده است که گفت: ای رسول خدا! درباره‌ی صدقه برای ما بفرما. فرمود: «صدقه برای کسی که هدفش از آن فقط جلب رضایت خدا باشد، مانع از آتش است».

طبرانی آن را روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ السّابِعَةُ

«فَضْلُ رَكْعَتَيِ الضُّحىٰ وَ صِيامُ ثَلاثَةِ أَيّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قالَ: أَوْصانِي خَلِيلِي مُحَمَّدٌ ﷺ بِصِيامِ ثَلاثَةِ أَيّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ رَكْعَتَيِ الضُّحىٰ وَ أَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنامَ.[١]

أَوْصانِي خَلِيلِي ﷺ بِثَلاثٍ لَسْتُ بِتارِكِهِنَّ، أَنْ لا أَنامَ إِلّا عَلىٰ وِتْرٍ، وَ أَنْ لا أَدَعَ رَكْعَتَيِ الضُّحىٰ، فَإِنَّها صَلاةُ الْأَوّابِينَ وَ صِيامُ ثَلاثَةِ أَيّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ.

عَنْ مَعاذِ بْنِ جَبَلٍ رضي الله عنه قالَ: صَوْمُ ثَلاثَةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهُ.

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْأَحادِيثَ الثَّلاثَةَ الآتِيَةَ:

اَلْأَوَّلُ: عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعاصِ ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُما ـ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ: «صَوْمُ ثَلاثَةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهُ».[٢]

اَلثّانِي: عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قالَ: «يُصْبِحُ عَلىٰ كُلِّ سُلامىٰ مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَ يُجْزِيءُ مِنْ ذٰلِكَ رَكْعَتانِ يَرْكَعُهُما مِنَ الضُّحىٰ».[٣]

اَلثّالِثُ: عَنِ ابْنِ عُمَرَ ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُما ـ: أَنَّ رَجُلاً سَأَلَ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ عَنِ الصِّيامِ فَقالَ: «صِيامُ ثَلاثَةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صِيامُ الدَّهْرِ».[٤]

وَ عَنْهُ أَيْضاً، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قالَ: «عَلَيْكَ بِالْبِيضِ، ثَلاثَةُ أَيّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلاثَ عَشَرَةَ وَ أَرْبَعَ عَشَرَةَ وَ خَمْسَ عَشَرَةَ».[٥]

---

١. رواه البخاري و مسلم و أبو داود و رواه الترمذي و النسائي و غيره و ابن‌خزيمة و لفّظه.
٢. رواه البخاري و مسلم. ٣. رواه مسلم و النسائي.
٤. رواه الطبراني في الأوسط و رجاله ثقات.
٥. رواه الطبراني و أحمد و الترمذي و النسائي.

وصیت هفتم

«فضیلتِ دو رکعت نماز چاشتگاه و سه روز روزه در هر ماه»

از ابی‌هریرهؓ روایت شده است که گفت: محبوبم، رسول خداﷺ، مرا به سه روز روزه در هر ماه و دو رکعت نماز چاشتگاه (صلاة الضحی) و این‌که قبل از خوابیدن، نماز وتر بخوانم وصیت کرده است.

بخاری و مسلم و ابوداود آن را روایت کرده‌اند و ترمذی و نسائی نیز مانند این را روایت کرده‌اند و ابن‌خزیمه نیز لفظ حدیث را روایت کرده است.

و محبوبم، رسول خداﷺ، مرا به سه چیز وصیت کرده است، که هرگز آن را ترک نمی‌کنم، این که: نخوابم مگر این‌که نماز وتر بخوانم، و دو رکعت نماز چاشتگاه (صلاة الضحی) را ترک نکنم، زیرا نمازِ اوّابین (بسیار بازگشت کنندگان به سوی خدا) است، و سه روز روزه در هر ماه.

از معاذ پسر جبل روایت شده است که گفت: سه روز روزه در هر ماه به منزله‌ی روزه‌ی تمام سال است.

برای فایده‌ی بیشتر، سه حدیث دیگر هم روایت می‌کنیم.

اول: از عبدالله پسر عمرو عاص ـ خداوند از هردو راضی باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «سه روز روزه در هر ماه برابر است با روزه‌ی تمامِ سال».

بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

دوم: از ابی‌ذرؓ روایت شده است که او از نبیﷺ روایت کرده است که فرمود: «هر صبح، بر هر مفصل از مفاصل شما صدقه‌ای واجب است، و هر تسبیحی (سبحان الله گفتن) و هر تحمیدی و (لا اله الا الله گفتن) و هر

تکبیری (الله اکبر گفتن) و هر امر به معروف و نهی از منکری، یک صدقه است و دو رکعت نماز چاشتگاه (صلاة الضحی) که فرد می‌خواند، با موارد فوق برابری می‌کند.

سوم: از پسر عمر - خدا از هردو راضی باد - روایت شده است که او نیز از نبی ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «بر تو باد که در هر ماه سه روزِ بیض (روزهایی که شب‌های آن روشن و مهتابی است) را روزه بگیری، یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است».

طبرانی و احمد و ترمذی و نسائی آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الثّامِنَةُ

«صَلاةُ التَّسْبيح»

عَنْ عِكْرِمَةَ عَن ابْنِعَبّاسٍ ـرَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُما ـ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِﷺ لِلْعَبّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ: «يا عَبّاسُ، يا عَمّاهُ! أَلاٰ أُعْطيكَ، أَلاٰ أَمْنَحُكَ، أَلاٰ أَحْبوكَ، أَلاٰ أَفْعَلُ بِكَ عَشْرَ خِصالٍ إِذا أَنْتَ فَعَلْتَ ذٰلِكَ غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ ذَنْبَكَ؛ أَوَّلَهُ وَ آخِرَهُ، قَديمَهُ وَ حَديثَهُ، خَطَأَهُ وَ عَمْدَهُ، صَغيرَهُ وَ كَبيرَهُ، سِرَّهُ وَ عَلانِيَتَهُ؛ عَشْرَ خِصالٍ: أَنْ تُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فاتِحَةَ الْكِتابِ وَ سُورَةً، فَإِذا فَرَغْتَ مِنَ الْقِراءَةِ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ وَ أَنْتَ قائِمٌ، قُلْتَ: "سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَر" خَمْسَ عَشَرَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْكَعُ وَ تَقُولُها وَ أَنْتَ راكِعٌ عَشْراً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكوعِ فَتَقُولُها عَشْراً، ثُمَّ تَهْوِي ساجِداً فَتَقُولُها وَ أَنْتَ ساجِدٌ عَشْراً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجودِ فَتَقُولُها عَشْراً، ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُها عَشْراً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجودِ فَتَقُولُها عَشْراً؛ فَذٰلِكَ خَمْسٌ وَ سَبْعُونَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، تَفْعَلُ ذٰلِكَ فِي أَرْبَعِ رَكَعاتٍ، فَلَوْ كانَتْ ذُنوبُكَ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ أَوْ رَمْلِ عالِجٍ، غَفَرَهُ اللّٰهُ لَكَ، إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَها فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ جُمْعَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفي عُمُرِكَ مَرَّةً»[1].

هٰذِهِ الصَّلاٰةُ تُسَمّىٰ "صَلاٰةَ التَّسبيحِ" وَ فَضْلُها عَظيمٌ ـ كَما رَأَيْتَ ـ فَداوِمْ عَلَيْها أَيُّهَا الْأَخُ الْمُسْلِمُ.

---

۱. رواه أبو داود و ابن‌ماجه و ابن‌خزيمة في صحيحه.

وصیت هشتم

«نماز تسبیح (صلاة التّسبیح)»

از عکرمه از ابن‌عباس ـ خداوند از هر دو راضی باد ـ روایت شده گفت: رسول خداﷺ به عباس پسر عبدالمطلب فرمود: «ای عباس! ای عمو! آیا به تو نبخشم؟ آیا به تو عطا نکنم؟ آیا نمازی را به تو نشان ندهم که ده خصلت (عمل) در آن هست که اگر آن‌ها را انجام دهی، خداوند گناهان اول و آخر، قدیم و جدید، سهوی و عمدی، کوچک و بزرگ و مخفی و آشکارت را می‌بخشد؟!

ده خصلت عبارتند از این‌که: چهار رکعت نماز بگزاری که در هر رکعت سوره‌ی فاتحه را همراهِ یک سوره‌ی دیگر بخوانی و سپس، وقتی که در رکعت اول از خواندنِ سوره‌ی فاتحه و سوره‌ی دیگر فارغ شدی، در حالی‌که بر پای ایستاده‌ای، پانزده بار می‌گویی: «**سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ**» و سپس، به رکوع می‌روی، در حالی‌که در رکوع هستی ده بار همان ذکر را می‌خوانی، پس از آن سرت را از رکوع بلند می‌کنی و ذکر قبل را ده بار می‌گویی و به سجده می‌روی و در حالی‌که در سجده هستی، همان ذکر را ده بار می‌خوانی و سپس، سرت را از سجده بر می‌داری و ده بار همان ذکر را می‌خوانی و به سجده می‌روی و ده بار دیگر آن ذکر را می‌خوانی و دوباره سرت را از سجده بر می‌داری و ده بار دیگر آن ذکر را می‌خوانی، که جمع همه‌ی اینها در هر رکعت پنجاه و پنج بار است. این عمل را در هر چهار رکعت انجام می‌دهی. اگر گناهانت مانند کف دریا یا توده‌ی ریگ باشد، خداوند آن‌ها را می‌بخشاید. اگر توانستی که این نماز را در هر روز یک بار بخوانی،

بخوان و اگر در هر روز انجام ندادی، یک بار در هفته انجام بده و اگر در هر هفته انجام ندادی در هر ماه یک بار انجام بده و اگر در هر ماه انجام ندادی، در هر سال یک بار انجام بده و اگر در هر سال انجام ندادی، در عمرت یک بار انجام بده.

ابوداود و ابن‌ماجه آن را روایت کرده‌اند و ابن‌خزیمه نیز در صحیحش روایت کرده است.

این نماز، نماز تسبیح نامیده می‌شود و ـ چنان که دیدیم ـ فضیلت آن بسیار است؛ پس ای مسلمان! مدام آن را انجام بده.

اَلْوَصِيَّةُ التّاسِعَةُ

«سَلُوا اللّهَ العَفْوَ وَ الْعافِيَةَ»

قالَ النَّبِيُّ ﷺ «يا عَبّاسُ! يا عَمَّ رَسُولِ اللّهِ! سَلِ اللّهَ الْعَفْوَ وَ الْعافِيَةَ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ»[1].

وَ عَنِ الْعَبّاسِ رضي الله عنه: قُلْتُ: يا رَسُولَ اللّهِ ﷺ! عَلِّمْنِي شَيْئاً أَسْأَلُهُ اللّهَ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ قالَ: «سَلِ العافِيَةَ»، فَمَكَثَ أَيّاماً ثُمَّ سَأَلْتُهُ ثانِياً، فَقالَ لِي: «يا عَبّاسُ! يا عَمَّ رَسُولِ اللّهِ! سَلُوا اللّهَ الْعافِيَةَ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ».

وصیت نهم

«از خداوند آمرزش و سلامت بخواهید»

پیامبر ﷺ فرمود: «ای عباس! ای عموی رسول خدا! از خدا بخشش و سلامتی در دنیا و آخرت را بخواه».

احمد و ترمذی آن را از عباس رضي الله عنه روایت کرده‌اند.

نیز، از عباس رضي الله عنه روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول خدا! چیزی را به من یاد بده که آن را از خدای عزیز و جلیل بخواهم، رسول فرمود: «از خدا عافیت و سلامت بخواه»؛ بعد از آن، من چند روزی صبر کردم و سپس، برای دومین بار همان سؤال را پرسیدم و ایشان به من فرمود: «ای عباس! ای عموی رسول خدا! از خداوند عافیت در دنیا و آخرت را بخواهید».

---

۱. رواه أحمد و الترمذي عن العباس رضي الله عنه.

اَلْوَصِیَّةُ الْعاشِرَةُ

«فَضْلُ الصِّیامِ»

عَنْ أَبِي أُمامَةَ رضي الله عنه قالَ: قُلْتُ: یارَسُولَ اللّٰهِ! مُرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، قالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لاٰ عِدْلَ لَهُ»، قُلْتُ: یارَسُولَ اللّٰهِ! مُرْنِي بِعَمَلٍ، قالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لاٰ عِدْلَ لَهُ»، قُلْتُ: یارَسُولَ اللّٰهِ! مُرْنِي بِعَمَلٍ، قالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لا مِثْلَ لَهُ»[۱].

وَ فِي رِوایَةٍ لِلنَّسائِيِّ قالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللّٰهِﷺ فَقُلْتُ: یارَسُولَ اللّٰهِ! مُرْنِي بِأَمْرٍ يَنْفَعُنِي اللّٰهُ بِهِ! قالَ: «عَلَيْكَ بِالصِّیامِ، فَإِنَّهُ لا مِثْلَ لَهُ».

وَ رَواهُ ابْنُ‌حِبّانٍ فِي صَحِیحِهِ فِي حَدِیثٍ قالَ: قُلْتُ: یارَسولَ اللّٰهِ! مُرْنِي بِأَمْرٍ يَنْفَعُنِي اللّٰهُ بِهِ! قالَ: «عَلَيْكَ بِالصِّیامِ، فَإِنَّهُ لا مِثْلَ لَهُ»، قالَ: فَكانَ أَبُو أُمامَةَ لاٰ يُرَىٰ فِي بَيْتِهِ دُخانٌ نَهاراً إِلاّٰ إِذا نَزَلَ بِهِمْ ضَيْفٌ.

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْحَدِیثَ الْآتِي:

عَنْ أَبِي سَعِیدٍ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِﷺ «ما مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ یَوْماً فِي سَبِیلِ اللّٰهِ تَعالىٰ إِلاّٰ باعَدَ اللّٰهُ بِذٰلِكَ الْيَوْمِ وَجْهَهُ عَنِ النّارِ سَبْعِینَ خَرِیفاً»[۲].

وصیت دهم

«فضل روزه»

از ابوامامه رضي الله عنه روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول خدا! مرا به انجام کاری دستور بده که مرا وارد بهشت کند. فرمود: «بر تو باد به روزه

۱. رواه النسائي و ابن‌خزیمة في صحیحه.
۲. رواه البخاري و مسلم.

گرفتن (روزه بگیر) زیرا روزه مانندی ندارد». گفتم: ای رسول خدا! مرا به انجام عملی امر کن. فرمود: «روزه بگیر! زیرا روزه نظیری ندارد». گفتم: ای رسول خدا! مرا به کاری دستور بده. فرمود: «بر تو باد به روزه گرفتن که روزه مانندی ندارد».

«نسائی آن را روایت کرده و ابن‌خزیمه نیز در کتاب صحیحش روایت کرده است».

و در روایتی دیگر از نسائی، آمده است که: ابی‌امامه گفت: نزد رسول خداﷺ آمدم و گفتم: ای رسول خدا! مرابه کاری دستور بده که خداوند به سبب آن به من سود برساند، فرمود: «بر تو باد به روزه گرفتن زیرا روزه مانندی ندارد». ابن حبان هم در حدیثی درکتاب صحیحش آن را روایت کرده است که ابی‌امامه گفت: گفتم: ای رسول خدا! مرا به انجام کاری امر کن که خداوند به سبب آن مرا بهره‌مند سازد. فرمود: «روزه بگیر که روزه هیچ نظیری ندارد». راوی می‌گوید: پس از آن، روزها، از خانه‌ی ابوامامه دودی بالا نمی‌رفت (روزه بودند) مگر وقتی که مهمانی به خانه‌اشان می‌آمد.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از ابی‌سعیدﷺ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «هیچ بنده‌ای روزی را در راه خدای تعالی روزه نمی‌گیرد مگر این‌که خداوند به سبب آن روز، صورت وی را هفتاد پاییز (هفتاد سال) از آتش دور می‌دارد».

بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِیَّةُ الْحادِیَةَ عَشَرَةَ

«عَدَمُ الشِّرْكِ بِاللّٰهِ»

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصّامِتِ﵁ قالَ: أَوْصانِي خَلِیلِي رَسُولُ اللّٰهِﷺ بِسَبْعِ خِصالٍ فَقالَ: «لاٰ تُشْرِكُوا بِاللّٰهِ شَیْئاً وَ إِنْ قُطِّعْتُمْ أَوْ حُرِّقْتُمْ أَوْ صُلِبْتُمْ، وَ لاٰ تَتْرُكُوا الصَّلاةَ مُتَعَمِّدِینَ فَمَنْ تَرَكَها مُتَعَمِّداً فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْمِلَّةِ، وَ لاٰ تَرْكَبُوا الْمَعْصِیَةَ فَإِنَّها سَخْطَةُ اللّٰهِ، وَ لاٰ تَشْرَبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّها رَأْسُ الْخَطایا کُلِّها، وَ لاٰ تَفِرُّوا مِنَ الْمَوْتِ وَ إِنْ کُنْتُمْ فِیهِ، وَ لاٰتَعْصِ والِدَیْكَ وَ إِنْ أَمَراكَ أَنْ تُخْرِجَ مِنَ الدُّنْیا کُلِّها فَاخْرُجْ، وَ لا تَضَعْ عَصاكَ عَنْ أَهْلِكَ وَ أَنْصِفْهُمْ مِنْ نَفْسِكَ»[۱].

وصیت یازدهم

«شرک نورزیدن به خدا»

از عباده پسر صامت﵁ روایت شده است که گفت: محبوبم، رسول خداﷺ، مرا به هفت خصلت وصیت کرد و فرمود: «هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهید حتی اگر قطعه قطعه یا سوزانده یا به صلیب (چوبه‌ی دار) هم کشیده شوید؛ و به عمد نماز را ترک نکنید، زیرا هرکس که عمداً نماز را ترک کند از دین خارج شده است؛ و مرتکب گناه نشوید زیرا گناه سبب خشم خدا است؛ و شراب ننوشید زیرا شراب اساس تمام گناهان است؛ و از مرگ نگریزید اگرچه در حال مرگ هم باشید و از پدر و مادرت سرپیچی و نافرمانی مکن و حتی اگر به تو دستور بدهند که از تمام دنیا خارج شوی (دنیا

۱. رواه الطبراني و محمد بن نصر بإسنادين لا بأس بهما.

را رها کنی) خارج شو (رها کن) همیشه خانواده و فرزندانت را با ادب شرعی ادب و موعظه کن.

حدیث را طبرانی و محمد بن نصر با دو اسناد که از نظر اعتبار اشکالی در آن‌ها نیست روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الثّانِيَةَ عَشَرَةَ

«فِي أَرْكانِ الإِسْلام»

عَنْ مَعاذِ بْنِ جَبَلٍ رضي الله عنه قالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ فِي سَفَرٍ فَأَصْبَحْتُ يَوْماً قَريباً مِنْهُ وَ نَحْنُ نَسيرُ، فَقُلْتُ: يارَسُولَ اللّٰهِ أَخْبِرْني بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْـجَنَّةَ وَ يُباعِدُنِي مِنَ النّارِ، قالَ: «لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظيمٍ وَ إِنَّهُ لَيَسيرٌ عَلى مَنْ يَسَّرَهُ اللّٰهُ تَعالىٰ عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللّٰهَ لاتُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَ تُقيمُ الصَّلاةَ، وَ تُؤْتِي الزَّكاةَ، وَ تَصُومُ رَمَضانَ، وَ تَحُجُّ الْبَيْتَ»، ثُمَّ قالَ: «أَلاٰ أَدُلُّكَ عَلى أَبْوابِ الْخَيْرِ؟ اَلصَّوْمُ جُنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ تُطْفِىءُ الْخَطيئَةَ كَما يُطْفِيءُ الْماءُ النّارَ، وَ صَلاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ»، ثُمَّ تَلاٰ ﴿تَتَجافىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ...﴾ حَتّى بَلَغَ ﴿يَعْمَلُونَ﴾؛ ثُمَّ قالَ: «أَلاٰ أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَ عَمُودِهِ و ذَرْوَةِ سَنامِهِ؟» قُلْتُ: بَلىٰ يا رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ! قالَ: «رَأْسُ الْأَمْرِ اَلإِسْلامُ، وَ عَمُودُهُ اَلصَّلاةُ، وَ ذَرْوَةُ سَنامِهِ الْجِهادُ»؛ ثُمَّ قالَ: «أَلاٰ أُخْبِرُكَ بِمِلاكِ ذٰلِكَ كُلِّهِ؟» قُلْتُ: بَلىٰ يا رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ! فَأَخَذَ بِلِسانِهِ، قالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هٰذا!» قُلْتُ: يا رَسُولَ اللّٰهِ! وَ إِنّا لَمُؤاخَذُونَ بِما نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقالَ: «ثَكَلَتْكَ أُمُّكَ وَ هَلْ يُكِبُّ النّاسَ فِي النّارِ عَلى وُجُوهِهِمْ إِلاّ حَصائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟!» [۱].

وصیت دوازدهم

«در ارکان اسلام»

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شده است که گفت: در سفری با رسول خدا ﷺ بودم، روزی در حالی‌که حرکت می‌کردیم، به ایشان نزدیک شدم و

۱. رواه أحمد و الترمذی في صحيحه.

گفتم: ای رسول خدا! از عملی به من خبر بده که وارد بهشتم کند و از آتش دورم دارد. فرمود: «از چیز بزرگی سؤال کردی، هرچند بر کسی که خدای تعالی بر او آسان کرده، آسان است و آن، این است: خداوند را عبادت کنی و هیچ چیزی را شریکِ او قرار ندهی و نماز را به پا داری و زکات را بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و حجِّ خانه‌ی خدا را انجام دهی». سپس، فرمود: «آیا تو را به درهای خیر و نیکی راهنمایی نکنم؟ روزه سپر است؛ صدقه گناه را خاموش می‌کند چنان‌که آب آتش را خاموش می‌کند؛ و نماز خواندنِ انسان در دل شب»؛ پس از آن پیامبرﷺ آیه‌ی ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ[1]﴾ را تا به ﴿يَعْمَلُونَ﴾ رسید تلاوت کرد. (پهلوهایشان از بسترها دور می‌شود (خواب شیرین را ترک گفته و به عبادت پروردگارشان می‌پردازند)، و سپس، فرمود: «آیا تو را از اساس و ستون و قله‌ی رفیعِ امر دین باخبر کنم؟ گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمود: «اساس کار، اسلام و ستونِ آن، نماز و قله‌ی رفیع آن، جهاد است»، و سپس فرمود: «آیا تو را از ملاک و عیار تمام این‌ها با خبر کنم؟ گفتم: بله‌ای رسول خدا! و ایشان زبانش را گرفت و فرمود: «خودت را از شرّ این (زبان) دور نگه‌دار! گفتم: ای رسول خدا! مگر ما در برابر آن‌چه می‌گوییم بازخواست می‌شویم؟ فرمود: «مادرت به ماتمت بنشیند! آیا مگر مردم را چیزی جز درو شده (گفتار)های زبانشان به رو در آتش می‌اندازد؟!»

احمد آن را روایت کرده و ترمذی نیز در صحیح خود روایت کرده است.

۱.سوره‌ی سجده؛ آیه ۱۶ ـ ۱۹.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّالِثَةَ عَشَرَةَ

«فِي بِرِّ الْوالِدَيْنِ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قالَ: جاءَ رَجُلٌ إِلى رَسُولِ اللّهِ ﷺ فَقالَ: يا رَسُولَ اللّهِ! مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحابَتِي؟ قالَ: «أُمُّكَ» قالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قالَ: «أُمُّكَ» قالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قالَ: «أُمُّكَ» قالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قالَ: «أَبُوكَ»[1].

وَ فِي رِوايَةٍ: يا رَسُولَ اللّهِ! مَنْ أَحَقُّ النّاسِ بِحُسْنِ الصُّحْبَةِ؟ قالَ «أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أَبُوكَ ثُمَ أَدْناكَ فَأَدْناكَ»[2].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَذْكُرُ الْحَديثَ الْآتِي:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قالَ: «رَغِمَ أَنْفُهُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ، مَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدُهُما أَوْ كِلَيْهِما ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ!».

وصیت سیزدهم

«در نیکی کردن به پدر و مادر»

از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که گفت: مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! از میانِ مردم، چه کسی بیشتر حق دارد در این که من با او مصاحبت و معاشرتِ خوب داشته باشم؟! فرمود: «مادرت»، گفت: پس از او، چه کسی سزاوارتر است؟ فرمود: «مادرت»، گفت: پس از وی، چه کسی؟ فرمود: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «سپس، پدرت».

دو شیخ (مسلم و بخاری) آن را روایت کرده‌اند.

---

۱. رواه الشیخان.
۲. رواه مسلم.

و در روایتی دیگر آمده است: «ای رسول خدا! چه کسی در معاشرت و همراهیِ نیک ذیحق‌تر سزاوارتر است؟ فرمود: «مادرت و سپس، مادرت و سپس، مادرت و پس از او، پدرت و به دنبال او، خویشانِ نزدیک‌تر و نزدیک‌ترت».

مسلم آن را روایت کرده است.

و برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود: «پوزه‌اش به خاک مالیده باد، بینیش به خاک مالیده باد، پوزه‌اش به خاک مالیده باد (خوار و زیانمند گردد) کسی که پدر و مادرش یا یکی از آن دو را در وقت پیری دریابد و وارد بهشت نشود (با خدمت خود به والدین بهشت را به دست نیاورد)!».

اَلْوَصِيَّةُ الرّابِعَةَ عَشَرَةَ

«اَلْمُحافَظَةُ عَلَى الصَّلاةِ وَ بِرُّ الْوالِدَيْنِ»

عَنْ أُمَيْمَةَ (مَوْلاةِ النَّبِيِّﷺ) ـ رَضِيَ اللّهُ عَنْها ـ قالَتْ: كُنْتُ أَصُبُّ عَلَى النَّبِيِّﷺ وَضُوئَهُ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَقالَ: أَوْصِنِي، قالَ: «لا تُشْرِكْ بِاللّهِ شَيْئاً وَ إِنْ قُطِّعْتَ وَ حُرِّقْتَ بِالنّارِ، وَ أَطِعْ والِدَيْكَ، وَ إِنْ أَمَراكَ أَنْ تَتَخَلّى مِنْ أَهْلِكَ وَ دُنْياكَ، فَتَخَلَّهُ. وَ لا تَشْرَبَنَّ الْخَمْرَ فَإِنَّها مِفْتاحُ كُلِّ شَرٍّ، وَ لا تَتْرُكَنَّ صَلاةً مُتَعَمِّداً، فَمَنْ فَعَلَ ذٰلِكَ فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللّهِ وَ ذِمَّةُ رَسُولِهِ»[1].

وصیت چهاردهم

«محافظت بر نماز و نیکی به پدر و مادر»

از امیمه ـ خدا از او خوشنود باد ـ کنیز نبیﷺ روایت شده است که گفت: من، آبِ وضو بر دست پیامبرﷺ می‌ریختم که مردی وارد شد و به ایشان عرض کرد: مرا سفارشی کن. فرمود: «به خداوند شرک نورز حتی اگر هم قطعه قطعه‌ات کنند یا با آتش سوزانده شوی، و از پدرت و مادرت اطاعت کن و اگر به تو دستور دادند که خانواده و دنیایت را رها کنی، رها کن و شراب منوش زیرا شراب کلید همه‌ی بدی‌هاست و هیچ نمازی را عمداً ترک مکن؛ که هرکس که این کارها را بکند، به حقیقت از ذمّه و پیمانِ خدا و رسولِ او خارج و بری می‌شود (با خدا و رسول پیمان شکنی کرده است).

---

۱. رواه الطبراني.

اَلْوَصِيَّةُ الْخامِسَةَ عَشَرَةَ

«ما يُقالُ بَعْدَ الصَّلاةِ»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مالِكٍ﵁ أَنَّ أُمَّ سُلَيْمٍ غَدَتْ عَلى رَسُولِ اللّهِ ﷺ فَقالَتْ: عَلِّمْنِي كَلِماتٍ أَقُولُهُنَّ فِي صَلاتِي، فَقالَ: «كَبِّرِي اللّهَ عَشْراً، وَ سَبِّحِيهِ عَشْراً، وَ احْمِدِيهِ عَشْراً، ثُمَّ سَلِي ما شِئْتَ يَقُولُ: نَعَمْ نَعَمْ»[1].

وصیت پانزدهم

«آن چه بعد از نماز گفته می‌شود»

از انس پسر مالک﵁ روایت شده است که: ام سُلیم بامداد نزد رسول ﷺ آمد و گفت: کلماتی را به من یاد بده که در نمازِ خود آن‌ها را بخوانم؛ رسول فرمود: «ده بار الله اکبر، ده بار سبحان‌الله و ده بار الحمدالله بگو و سپس، هر چه می‌خواهی از خدا بخواه که (خداوند در جواب تو) خواهد گفت: آری، بله (انجام می‌دهم).

احمد و ترمذی و ابن‌خزیمه و ابن‌حبان در صحیحش آن را روایت کرداه‌ند.

---

۱. رواه أحمد و الترمذی و ابن‌خزیمة و ابن‌حبان في صحيحه.

اَلْوَصِيَّةُ السَّادِسَةَ عَشَرَةَ

«ما يُقالُ دُبُرَ كُلِّ صَلاةٍ»

عَنْ مَعاذٍؓ أَنَّ رَسُولَ اللّهِﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَ قالَ: «يا مَعاذُ! وَاللّهِ لَأُحِبُّكَ، أُوصِيكَ يا مَعاذُ لا تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ تَقُولُ: اَللّهُمَّ أَعِنِّي عَلىٰ ذِكْـرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حسْنِ عِبادَتِكَ»[۱].

وصیت شانزدهم

«آن‌چه که بعد از هر نمازی خوانده می‌شود»

از معاذؓ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ دستم را گرفت و فرمود: «ای معاذ! به خدا قسم که من تو را دوست دارم؛ ای معاذ! به تو سفارش می‌کنم که هرگز دعای «**اَللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حُسْنِ عِبَادَتِكَ**» را بعد از هر نمازی ترک نکنی. ترجمه‌ی دعا: «خداوندا مرا بر ذکر کردن و شکرگزاری و نیکْ عبادت کردنِ خودت یاری کن».

ابوداود و نسائی با اسناد صحیح آن را روایت کرده‌اند.

---

۱. رواه أبو داود و النسائي بإسناد صحيح.

اَلْوَصِيَّةُ السَّابِعَةَ عَشَرَةَ

«في فَضْلِ الذِّكْرِ»

وَ عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ بُسْرٍ رضی الله عنه أَنَّ رَجُلاً قالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ! إِنَّ شَرائِعَ الْإِسْلامِ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ فَأَخْبِرْنِي بِشَيْءٍ أَتَشَبَّثُ بِهِ، قالَ: «لا يَزالُ لِسانُكَ رَطْباً مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ»[1].

وصیت هفدهم

«فضیلت ذکر»

از عبدالله پسر بُسر رضی الله عنه روایت شده است که مردی گفت: ای رسول خدا! شریعت‌ها و آداب اسلام برای من زیاد است (و از عهده‌ی انجام همه‌ی آن‌ها برنمی‌آیم)؛ پس به من چیزی یاد بدهید که به آن چنگ بزنم (و همیشه انجام دهم)؛ فرمود: «بگذار که زبانت همیشه تر و گویا به ذکر خدا باشد».

ترمذی آن را روایت کرده و لفظ حدیث هم از اوست و ابن‌حبان نیز در صحیحش آن را روایت کرده است.

۱. رواه الترمذي و اللفظ له و ابن‌حبان في صحيحه.

اَلْوَصِيَّةُ الثّامِنَةَ عَشَرَةَ

«فِي فَضْلِ الذِّكْرِ أَيْضاً»

وَ رُوِيَ عَنْ مَعاذٍ﷛ عَنْ رَسُولِ اللّهِﷺ أَنَّ رَجُلاً سَأَلَهُ فَقالَ: أَيُّ الْمُجاهِدينَ أَعْظَمُ أَجْراً؟ قالَ: «أَكْثَرُهُمْ لِلّهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ ذِكْراً»، فَقالَ: فَأَيُّ الصّالِحينَ أَعْظَمُ أَجْراً؟ قالَ: «أَكْثَرُهُمْ لِلّه تَبارَكَ وَ تَعالىٰ ذِكْراً»، ثُمَّ ذَكَرَ الصَّلاةَ وَ الزَّكاةَ وَ الْحَجَّ وَ الصَّدَقَةَ، كُلَّ ذٰلِكَ وَ رَسُولُ اللّهِ يَقُولُ: «أَكْثَرُهُمْ لِلّهِ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ ذِكْراً»، فَقالَ أَبُوبَكْرٌ لِعُمَرَ: يا أَبا حَفْصٍ! ذَهَبَ الذّاكِرُونَ بِكُلِّ خَيْرٍ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «أَجَلْ»[1].

وصیت هجدهم

«حدیثی دیگر در فضیلت ذکر»

از معاذ﷛ روایت شده که مردی از رسول خداﷺ پرسید: کدام یک از مجاهدان پاداشش بیشتر است؟ فرمود: «کسی که بیشتر از همه خدای تبارک و تعالی را یاد می‌کند و ذکر می‌گوید»، مرد، سپس، پرسید: پس کدام یک از صالحان (نیکوکاران) پاداشش بیشتر است؟ فرمود: «کسی که بیشتر از همه خدای پاک و بزرگ را یاد می‌کند و ذکر می‌گوید». مرد، سپس، همین سؤال را درباره‌ی هرکدام از نمازگزاران و زکات دهندگان و حاجیان و صدقه دهندگان هم پرسید و رسول خداﷺ هربار می‌فرمود: «کسانی که بیشتر از دیگران خدای تبارک و تعالی را یاد می‌کنند و ذکر می‌گویند». پس از آن، ابوبکر به

---

۱. رواه أحمد و الطبراني.

عمر گفت: ای پدر حفص! ذکر کنندگان تمام خیرات و نیکی‌ها را برده‌اند، و رسول خدا ﷺ فرمود: «بله، چنین است».

احمد و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ التّاسِعَةَ عَشَرَةَ

«هَجْرُ الْمَعاصِي وَ التَّمَسُّكُ بِطاعَةِ اللّٰهِ تَعالىٰ وَ ذِكْرِهِ»

عَنْ أُمِّ أَنَسٍ ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْها ـ أَنَّها قالَتْ: يا رَسُولَ اللّٰهِﷺ! أَوْصِينِي، قالَ: «اُهْجُرِي الْمَعاصِي فَإِنَّها أَفْضَلُ الْهِجْرَةِ، وَ حافِظِي عَلَى الْفَرائِضِ فَإِنَّها أَفْضَلُ الْجِهادِ، وَ أَكْثِرِي مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ فَإِنَّكِ لا تَأْتِينَ اللّٰهَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ كَثْرَةِ ذِكْرِهِ»[1].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْحَدِيثَيْنِ الْوارِدَيْنِ فِي فَضْلِ الذِّكْرِ:

اَلْأَوَّلُ: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِﷺ «يَقُولُ اللّٰهُ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَ أَنَا مَعَهُ حِينَ يَذْكُرُنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ، ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَ إِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَإٍ، ذَكَرْتُهُ فِي مَلَإٍ خَيْرٍ مِنْهُ، وَ إِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِراعاً، تَقَرَّبْتُ مِنْهُ باعاً، وَ إِنْ أَتانِي يَمْشِي، أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً»[2].

اَلثّانِي: وَ عَنْ مُعاوِيَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِﷺ خَرَجَ عَلَى حَلَقَةٍ مِنْ أَصْحابِهِ فَقالَ: «ما أَجْلَسَكُمْ؟» قالُوا: جَلَسْنا نَذْكُرُ اللّٰهَ وَ نَحْمَدُهُ عَلَى ما هَدانا لِلْإِسْلامِ، وَ مَنَّ بِهِ عَلَيْنا، قالَ: «آللّٰهِ ما أَجْلَسَكُمْ إِلاّ ذٰلِكَ؟» قالُوا: وَ اللّٰهِ ما أَجْلَسَنا إِلاّ ذاكَ، قالَ: «أَما إِنِّي لَمْ أَسْتَحْلِفْكُمْ تُهْمَةً لَكُمْ وَ لٰكِنَّهُ أَتانِي جِبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللّٰهَ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ يُباهِي بِكُمُ الْمَلائِكَةَ»[3].

---

۱. رواه الطبراني بإسناد جيد. ۲. رواه البخاري و مسلم و الترمذي.
۳. رواه الثلاثة مسلم و الترمذي.

وصیت نوزدهم
«ترکِ گناهان و چنگ زدن به طاعت و ذکر خدای تعالی»

از ام انس ـ رضی الله عنها ـ روایت شده است، که او به رسول خداﷺ گفت: ای رسول خدا! مرا وصیتی کن. رسول فرمود: گناهان را ترک کن که همانا ترکِ گناهان بهترین هجرت است؛ و بر فریضه‌ها (اعمالی که انجام آن فرض است) محافظت کن زیرا این کار بهترین جهاد است و خدا را بسیار ذکر کن. زیرا هیچ چیزی را با خود نزد خداوند نمی‌بری که نزد وی محبوب‌تر از ذکرِ زیاد او باشد (کثرتِ ذکر نزد خدا محبوب‌ترین چیز است).

طبرانی با اِسنادِ نیکو و استواری آن را روایت کرده است.

برای فایده‌ی بیشتر، دو حدیثِ وارد شده در فضیلت ذکر را هم روایت می‌کنیم.

اول: از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «خدای عزیز و جلیل می‌فرماید: من برابر با گمان بنده‌ام با او رفتار می‌کنم هر گمانی که به من دارد و با او هستم وقتی که مرا یاد می‌کند؛ اگر مرا در نفس (درون) خود یاد کند، او را در نفس خود یاد می‌کنم و اگر مرا در میان جمع و ملأعام یاد کند، او را در میان جمعی بهتر از آن جمع یاد می‌کنم و اگر به اندازه‌ی وَجبی به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی یک ذراع[1] به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه‌ی یک ذِراع به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی دو ذراع به او نزدیک می‌شوم و اگر او با راه رفتنِ عادی پیش من بیاید، من با گام زدن پیش او می‌روم.

---

۱. ذراع واحد طولی است برابر با حدود نیم متر.

بخاری و مسلم و ترمذی آن را روایت کرده‌اند.

دوم: از معاویهرضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ از خانه بیرون آمده، بر مجلسی از یارانش وارد شد که گرد هم حلقه زده بودند و فرمود: «چه چیزی شما را این‌جا نشانده است؟» عرض کردند: نشسته‌ایم تا خدا را ذکر کنیم و او را حمد و سپاس گوییم بدان سبب که ما را به اسلام هدایت کرد و به سبب اسلام بر ما منت نهاد. رسول خداﷺ فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا چیزی جز این شما را ننشانده است؟ عرض کردند: نه، به خدا قسم فقط برای همین این‌جا نشسته‌ایم. فرمود: «من شما را بدان علت سوگند ندادم که به شما باور نداشته باشم، بلکه بدان دلیل بود که جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که خداوند عزیز و جلیل به شما بر ملائکه مباهات و افتخار می‌کند».

مسلم و ترمذی حدیث را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الْعِشْرُونَ

«فِي فَضْلِ رَكْعَتَى الْفَجْرِ»

رُوِيَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ -رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُما- قالَ: قالَ رَجُلٌ: يا رَسُولَ اللّٰهِﷺ! دُلَّنِي عَلىٰ عَمَلٍ يَنْفَعُنِي اللّٰهُ بِهِ، قالَ: «عَلَيْكَ بِرَكْعَتَى الْفَجْرِ فَإِنَّ فِيهِما فَضِيلَةً»[1].

وَ فِي رِوايَةٍ لَهُ أَيْضاً، قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِﷺ يَقُولُ: «لاٰتَدَعُوا الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ صَلاةِ الْفَجْرِ فَإِنَّ فِيهِما الرَّغائِبُ».

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْحَدِيثَ الْآتِي الَّذِي رَوَتْهُ السَّيِّدَةُ عائِشَةُ -رَضِيَ اللّٰهُ عَنْها- عَنِ النَّبِيِّﷺ قالَ: «رَكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيا وَ مافِيها»[2].

وصیت بیستم

«فضیلت دو رکعت (سنّتِ پیش از) نماز صبح»

از پسر عمر - رضی الله عنهُما - روایت شده است که گفت: مردی گفت: ای رسول خدا! مرا به کاری راهنمایی کن که خداوند به وسیله‌ی آن مرا بهره‌مند سازد. فرمود: «بر تو باد خواندنِ دو رکعت سنت قبل از نماز صبح زیرا در آن فضیلت بزرگی است».

طبرانی آن را در الکبیر روایت کرده است.

و در روایت دیگری باز هم از او (عبدالله بن عمر)، آمده است که گفت: از رسول خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: «دو رکعت نماز قبل از نماز صبح را ترک

---

۱. رواه الطبراني في الكبير.

۲. مسلم.

نکنید زیرا در آن دو رکعت هر ثوابِ بزرگ خواستنی‌ای وجود دارد».

و برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم که حضرت عایشه ـ رضی الله عنها ـ از نبیﷺ روایت کرده است، روایت می‌کنیم: پیامبرﷺ فرمودند: «دو رکعت (سنّتِ قبل از) نمازِ صبح (و یا خودِ آن) از دنیا و آن‌چه در دنیاست بهتر است».

مسلم آن را روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الْحادِيَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فِي عَدَمِ الْاِلْتِفاتِ فِي الصَّلاةِ»

عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «يا بُنَيَّ! إِيّاكَ وَ الْاِلْتِفاتَ فِي الصَّلاةِ فَإِنَّ الْاِلْتِفاتَ هَلَكَةٌ...»[1].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْحَديثَ الْآتِي:

رُوِيَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذا قامَ فِي الصَّلاةِ فَإِنَّهُ بَيْنَ عَيْنَي الرَّحْمٰنِ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ، فَإِذَا الْتَفَتَ قالَ لَهُ اللّهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ: يَا ابْنَ آدَمَ! إِلىٰ مَنْ تَلْتَفِتُ؟ إِلىٰ خَيْرٍ مِنّي؟! يَا ابْنَ آدَمَ! أَقْبِلْ عَلىٰ صَلاتِكَ، فَأَنَا خَيْرٌ لَكَ مِمَّنْ تَلْتَفِتُ إِلَيْهِ»[2].

وصیت بیست و یکم

«رو برنگرداندن در نماز»

از انس رضي الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «ای پسرم! از رو برگرداندن در نماز بپرهیز زیرا رو برگرداندن در نماز سبب هلاکت و نابودی است...».

«ترمذی آن را روایت کرده و گفته است: حدیثِ حَسَنی است و در بعضی نسخه‌ها، آمده: حدیث صحیحی است».

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از ابی‌هریره رضي الله عنه روایت شده ایت که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «بنده

---

۱. رواه الترمذي و قال حديث حسن، و في بعض النسخ صحيح.

۲. رواه البزاز.

هرگاه در نماز بایستد در بین دو چشم خدایِ بخشنده و متعال و بزرگ است (محل توجّه و لطف خداست) و اگر به سوی دیگر رو کند، خدای تبارک و تعالی به او می‌گوید: ای پسر آدم! به چه چیز التفات[1] و توجه می‌کنی؟ به چه چیزی بهتر از من رو می‌کنی؟! ای پسر آدم! به نمازت روی بیاور که من برای تو بهتر از چیزی هستم که بدان رو می‌کنی.

بزاز آن را روایت کرده است.

۱. مقصود از التفات و رو برگرداندن، توجه قلبی است ـ والله اعلم.

اَلْوَصِیَّةُ الثّانِیَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فَضْلُ الْإِخْلاصِ»

عَنْ مَعاذِ بْنِ جَبَلٍ﵁ أَنَّهُ قالَ: ـحینَ بُعِثَ إِلَی الْیَمَنِ ـ یا رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ! أَوْصِنِي، قالَ ﷺ: «أَخْلِصْ دینَكَ یَكْفِكَ الْعَمَلُ الْقَلیلُ»[۱].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدیثَیْنِ الْآتِیَیْنِ:

اَلْأَوَّلُ: رُوِيَ عَنْ ثَوْبانَ، قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ یَقُولُ: «طُوبیٰ لِلْمُخْلِصینَ! أُولٰئِكَ مَصابیحُ الْهُدیٰ تَنْجَلي عَنْهُمْ کُلُّ فِتْنَةٍ ظَلْماءَ».

اَلثّانِي: وَ جاءَ مِنْ حَدیثٍ آخَرَ عَنْ أَبي أُمامَةَ﵁ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قالَ: «إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ لایَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلاّ ما کانَ خالِصاً وَ ابْتُغِيَ بِهِ وَجْهُهُ».

وصیت بیست و دوم

«فضیلت اخلاص»

از معاذ پسر جبل﵁ روایت شده که وقتی به یمن فرستاده شده، گفته است: ای رسول خدا! مرا وصیت کن، و رسول ﷺ فرموده است: «در دینداری‌ات خلوص و اخلاص پیشه کن که در آن صورت، کردار اندک هم تو را کفایت می‌کند».

حاکم آن را روایت کرده و گفته است اسناد آن صحیح است.

برای فایده‌ی بیشتر، دو حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

اول: از ثوبان روایت شده است که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که

---

۱. رواه الحاکم و قال صحیح الإسناد.

می‌فرمود: «خوشا به حال مخلصان! آنان چراغ‌های هدایتند و هر فتنه‌ی تاریکی از آن‌ها دور می‌شود».

بیهقی آن را روایت کرده است.

دوم: در حدیث دیگری که ابی‌امامهرضی الله عنه از نبیﷺ روایت کرده، آمده است که رسول فرمود: «بی‌تردید خدای عزیز و جلیل هیچ عملی را نمی‌پذیرد مگر آن‌که خالصانه بوده، از آن تنها رضایت خدا قصد و طلب شده باشد».

اَلْوَصِيَّةُ الثّالِثَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«لِمَنْ كانَتْ لَهُ حاجَةٌ إِلَى اللّٰهِ»

عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ أَبِي أَوْفىٰ ﷺ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ «مَنْ كانَتْ لَهُ حاجَةٌ إِلَى اللّٰهِ، أَوْ إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ، فَلْيَتَوَضَّأْ فَلْيُحْسِنِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ لِيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ، ثَمَّ لْيُثْنِ عَلَى اللّٰهِ وَ لْيَصِلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، ثُمَّ لْيَقُلْ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَليمُ الْكَرِيمُ، سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ موجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ لاتَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لا هَمّاً إِلّا فَرَّجْتَهُ وَ لا حاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً إِلاّ قَضَيْتَها يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.».

وَ زادَ ابْنُماجَه بَعْدَ قَوْلِهِ: «يا أَرْحَمَ الرَّاحِمينَ»، «ثُمَّ يَسْأَلُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ ما شَاءَ، فَإِنَّهُ يُقَدَّرُ»[۱].

وصیت بیست و سوم

«برای کسی که حاجت و نیازی در پیشگاه خدا دارد»

از عبدالله بن اوفی ـ خداوند از هردو راضی باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس که حاجتی در پیشگاه خدا، یا نیازی به شخصی از بنی‌آدم دارد، باید به نیکی وضو بگیرد و سپس، دو رکعت نماز بگزارد و پس از آن، خداوند را ثنا و ستایش کند و بر نبی ﷺ صلوات بفرستد و سپس، بگوید:

---

۱. رواه الترمذي و ابن‌ماجه.

«لا إلٰهَ إلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أللّٰهُمَّ إنِّي أَسأَلُكَ موجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ لاتَدَعْ لِي ذَنْباً إلَّا غَفَرْتَهُ وَ لا هَمّاً إلّا فَرَّجْتَهُ وَ لا حاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً إلاّ قَضَيْتَها يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ».

(هیچ خدایی جز خدای بردبار بزرگ نیست پاک است خدایی که پروردگار عرش بزرگ است. سپاس و ستایش خداوندی راست که پروردگار جهانیان است. خداوندا! من آن‌چه را که سبب رحمت توست و (انجام قول یا عملی را که موجب) بخشش توست می‌خواهم و نیز، از تو غنیمت از هر نیکی و خیری را و سلامت از هر گناهی را می‌طلبم و از تو می‌خواهم که هیچ گناهِ مرا رها مکن مگر این‌که آن را ببخشی و اندوهم را رها مکن مگر این‌که همه‌ی آن را از بین ببری و هر حاجتی که دارم و تو بدان راضی هستی آن را رها مکن مگر این‌که برآورده و رفع کنی. ای مهربان‌ترین مهربانان!

ابن‌ماجه بعد از قول «یا ارحم الراحمین»، این مطلب را هم اضافه کرده است: «سپس، از کار دنیا و آخرت، آن چه را که در نظر دارد از خدا بخواهد خداوند آن را تقدیر می‌کند».

ترمذی و ابن‌ماجه آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الرّابِعَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«اَلتَّوَجُّهُ إِلَى اللّهِ»

عَنْ عُثْمانَ بْنِ حَنيفٍ رضي الله عنه أَنَّ أَعْمىٰ أَتَىٰ رَسُولَ اللّهِ ﷺ فَقالَ: يارَسُولَ اللّهِ! ادْعُ اللّهَ أَنْ يَكْشِفَ لِي عَنْ بَصَرِي، فَقالَ: «أَوَ أَدَعُكَ؟!» قالَ: يارَسُولَ اللّهِ! إِنَّهُ قَدْ شَقَّ عَلَيَّ ذَهابُ بَصَرِي، فَقالَ: «اِنْطَلِقْ فَتَوَضَّأْ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ: اَللّهُمَّ! إِنِّي أَسْئَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، يا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلىٰ رَبِّي بِکَ أَنْ يَكْشِفَ لِي عَنْ بَصَرِي، اَللّهُمَّ! شَفِّعْهُ فِيَّ وَ شَفِّعْنِي فِي نَفْسِي»، فَرَجَعَ وَ قَدْ كَشَفَ اللّهُ عَنْ بَصَرِهِ[1].

وصیت بیست و چهارم

«روی آوردن به خدا»

از عثمان بن حنیف رضي الله عنه روایت شده است که گفت: نابینایی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! از خدا بخواه که چشمم را بینا گرداند! رسول فرمود: «چه می‌گویی اگر برایت دعا نکنم (تا به جزای بزرگِ نابینایی در پیش خداوند برسی)؟!» گفت: ای رسول خدا! ولی در حقیقت، از بین رفتنِ چشمم بر من دشوار شده است؛ رسول خدا ﷺ فرمود: برو وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و پس از آن، بگو:

«اَللّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بَالنَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلى رَبِّي بِكَ أَنْ يَكْشِفَ لِي عَنْ بَصَرِي، اَللّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيّ

---

۱. رواه الترمذي و قال حديث حسن صحيح غريب.

وَ شَفِّعْنِي فِي نَفْسِي».

«خداوندا! از تو می‌خواهم و به تو روی می‌آورم با واسطه قرار دادنِ نبی محمدﷺ پیام‌آورِ رحمت، ای محمد! من با وسیله و واسطه قرار دادن تو به پروردگارم روی می‌آورم که خداوند چشمم را بینا کند؛ خداوندا! محمد را در کارِ من شفیع کن و مرا در کارِ خودم شفیع گردان». پس از آن، شخصِ نابینا، در حالی‌که خداوند چشمش را بینا کرده بود، بازگشت.

ترمذی آن را روایت کرده و گفته است حدیثِ حسنِ صحیح غریبی است.

اَلْوَصِيَّةُ الْخامِسَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فِي السُّؤالِ بِاللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

وَ عَنْ جابِرٍ رضي الله عنه (وَ فِي نُسْخَةٍ: وَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ) قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم: «مَنِ اسْتَعاذَ بِاللّهِ فَأَعيذُوهُ، وَ مَنْ سَأَلَ بِاللّهِ فَأَعْطُوهُ، وَ مَنْ دَعاكُمْ فَأَجيبُوهُ، وَ مَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفاً فَكافِئُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا ما تُكافِئُونَهُ، فَادْعُوا لَهُ حَتّى تَرَوْا أَنَّكُمْ قَدْ كافَأْتُمُوهُ»[1].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ، نَرْوِي الْحَديثَ الْآتِيَ فِي النَّهْيِ عَنِ السُّؤالِ بِوَجْهِ اللّهِ:

وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ مَوْلىٰ رِفاعَةَ عَنْ رافِعٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم قالَ: «مَلْعُونٌ مَنْ سَأَلَ بِوَجْهِ اللّهِ، وَ مَلْعُونٌ مَنْ سُئِلَ بِوَجْهِ اللّهِ ثُمَّ يَمْنَعُ سائِلَهُ، ما لَمْ يَسْأَلْ هَجْراً»[2].

وصیت بیست و پنجم

«درخواست کردن (از مردم) با (سوگند دادنشان به نام)»

از جابر رضي الله عنه (و در نسخه‌ای دیگر از ابن‌عمر رضي الله عنه) روایت شده است که گفت: رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: «هرکس به نام خدا پناه جُست، او را پناه دهید و هرکس به نام خدا چیزی خواست، به او بدهید و هرکس شما را دعوت کرد، دعوتش را بپذیرید و هرکس به شما نیکی کرد، نیکیش را جبران کنید و اگر هم نتوانستید نیکی او را جبران کنید، چندان برای او دعا کنید که گمان پیدا

---

۱. رواه ابوداود و النسائي و ابن‌حبان في صحيحه.

۲. رواه الطبراني.

کنید که (کار) او را جبران کرده‌اید».

ابوداود و نسائی آن را روایت کرده‌اند و ابن‌حبان نیز آن را در صحیحش روایت کرده است.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را در نهی از درخواستِ چیزی از دیگران با قسم دادن به خدا، روایت می‌کنیم .

از ابی‌عبیده ـ غلام رفاعه ـ روایت شده که او از رافعؓ روایت کرده است که رسول خداﷺ فرمود: «کسی که چیزی را بخواهد و به خاطر آن دیگران را به نام یا خاطر خدا سوگند دهد و نیز، آن‌کس که درخواستِ فرد سوگند دهنده به نام خدا را انجام ندهد، ملعون (لعنت شده) هستند، البتّه مادام که شخصِ خواهنده درخواستِ قطع رحم (قطع رابطه) نکند.

طبرانی آن را روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ السّادِسَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فِي فَضْلِ أُمِّ الْكِتابِ»

عَنْ أَبِي سَعيدٍ رافِعِ بْنِ الْمُعَلّیٰ ﷺ قالَ: كُنْتُ أُصَلِّي بِـالْمَسْجِدِ فَـدَعانِي رَسُولُ اللّهِ ﷺ فَلَمْ أُجِبْهُ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ، فَقُلْتُ: يارَسُولَ اللّهِ! كُنْتُ أُصَلِّي، فَقالَ: «أَلَمْ يَقُلِ اللّهُ تعالیٰ: ﴿اِسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ[1]﴾، ثُمَّ قالَ: أَلا أُعَلِّمَنَّكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ قَبْلَ أَنْ تَخرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ»، فَأَخَذَ بِيَدِي فَلَمّا أَرَدْنَا الْخُرُوجَ، قُلْتُ: يارَسُولَ اللّهِ! إِنَّكَ قُلْتَ لَأُعَلِّمَنَّكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؛ قالَ: «﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، هِيَ سَبْعُ الْـمَثانِي وَ الْـقُرْآنُ الْـعَظيمُ الَّـذِي أُوتِيتُهُ»[2].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ، نَرْوِي الْحَديثَ الآتِيَ الْوارِدَ فِي أُمِّ الْكِتابِ:

وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ ﷺ يَقُولُ: «قالَ اللّهُ تَعالیٰ: قَسَمْتُ الصَّلاةَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ وَ لِعَبْدِي ما سَأَلَ»، وَ فِـي رِوايَـةٍ: «نِصْفُها لِي، وَ نِصْفُها لِعَبْدِي فَإِذا قالَ الْعَبْدُ: ﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، قالَ اللّهُ: حَمِدَنِي عَبْدِي، فَإِذا قالَ الْعَبْدُ: ﴿اَلرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، قالَ اللّهُ تَعالیٰ: أَثْنیٰ عَلَيَّ عَبْدِي، فَإِذا قالَ: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، قالَ: مَجَّدَنِي عَبْدي، فَإِذا قالَ: ﴿إِيَاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَاكَ نَسْتَعِينُ﴾، قالَ: هٰذا بَيْنِي وَ بَيْنَ عَبْدِي، وَ لِعَبْدِي ما سَأَلَ، فَإِذا قالَ: ﴿اِهْدِنَا الصِّراطَ الْـمُسْتَقِيمَ صِـراطَ الَّـذِينَ أَنْـعَمْتَ عَـلَيْهِمْ غَـيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ﴾، قالَ: هٰذا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي ما سَأَلَ»[3].

---

۱. انفال: ۱۴.
۲. رواه البخاري و أبوداود و الترمذي.
۳. رواه الخمسة الا البخاري.

وصیت بیست و ششم

«فضیلت امّ القرآن (سوره‌ی فاتحه)»

از ابی‌سعید رافع بن معلی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: در مسجد نماز می‌خواندم که رسول خداﷺ مرا خواند ولی من (چون در نماز بودم) اجابت نکردم و نرفتم. پس از نماز، خدمت ایشان رفتم و گفتم: ای رسول خدا! نماز می‌خواندم! فرمود: «مگر خدای تعالی نفرموده است: ﴿إِسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ[1]﴾ (فرمان خدا را بپذیرید و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت می‌کند)؟ و سپس، فرمود: آیا قبل از این‌که از مسجد خارج شوی، بزرگ‌ترین سوره در قرآن را به تو یاد ندهم؟ و دستم را گرفت. وقتی که خواستیم از مسجد خارج شویم، گفتم: ای رسول خدا! فرمودی بزرگ‌ترین سوره‌ی قرآن را به تو یاد می‌دهم! فرمود: «سوره‌ی ﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ این سوره، همان سبع المثانی (هفت آیه‌ای که چند بار در نماز تکرار می‌شوند) و قرآن عظیمی است که به من داده شده است».

بخاری و ابوداود و ترمذی آن را روایت کرده‌اند.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم که در مورد امّ الکتاب (مادر قرآن = سوره‌ی فاتحه) وارد شده روایت می‌کنیم.

از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: از رسول خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: «خداوند تعالی فرموده است: نماز را بین خود و بنده‌ام به دو نصف تقسیم کرده‌ام و بنده‌ام هرچه بخواهد به او داده می‌شود».

---

۱. سوره‌ی انفال؛ آیه‌ی ۱۴.

و در روایت دیگری، آمده است: «نصفِ نماز از آن من و نصف دیگر از آن بنده‌ی من است. هرگاه بنده بگوید: ﴿اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، خدا می‌فرماید: «بنده‌ام مرا حمد و سپاس گفت»؛ هرگاه بنده بگوید: ﴿اَلرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، خداوند تعالی می‌فرماید: «بنده‌ام مرا ثنا و ستایش کرد»؛ هرگاه بنده بگوید: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، خدا می‌فرماید: «بنده‌ام مرا بزرگ داشت و به بزرگی وصف کرد»؛ هرگاه بنده بگوید: ﴿إِيَاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَاكَ نَسْتَعِينُ﴾، خدا می‌فرماید: «این چیزی است میانِ من و بنده‌ام و از آنِ بنده‌ام خواهد بود هرچه که بخواهد» و آن گاه که بگوید: ﴿اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ﴾، خدا می‌فرماید: «این قسمت متعلّق به بنده‌ام است و از آنِ بنده‌ام خواهد بود آن چه که درخواست کرد (یعنی به او داده می‌شود)».

پنج نفر از صاحبانِ صحاح (مسلم، ترمذی، نسائی، ابی‌داود، ابن‌ماجه) آن را روایت کرده‌اند».

اَلْوَصِيَّةُ السّابِعَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فِي فَضْلِ بَعْضِ سُوَرِ الْقُرْآنِ»

وَ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّهِ ﷺ قالَ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحابِهِ: «هَلْ تَزَوَّجْتَ يا فُلانُ؟» قالَ: لا وَ اللّهِ يارَسُولَ اللّهِ، وَ لا عِنْدِي ما أَتَزَوَّجُ بِهِ، قالَ: «أَلَيْسَ مَعَكَ ﴿قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ﴾؟» قالَ: بَلىٰ، قالَ: «ثُلُثُ الْقُرْآنِ، قالَ: أَلَيْسَ مَعَكَ ﴿إِذا جاءَ نَصْرُ اللّهِ وَ الْفَتْحُ﴾؟» قالَ: بَلىٰ، قالَ: «رُبُعُ الْقُرْآنِ، قالَ: أَلَيْسَ مَعَكَ ﴿قُلْ يا أَيُّهَاالْكافِرُونَ﴾؟» قالَ بَلىٰ، قالَ: «رُبُعُ الْقُرْآنِ، قالَ: أَلَيْسَ مَعَكَ ﴿إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ﴾؟» قالَ: بَلىٰ، قالَ: «رُبُعُ الْقُرْآنِ، تَزَوَّجْ تَزَوَّجْ»[۱].

وَ إِتْماماً لِلْفائِدَةِ نَرْوِي الْأَحادِيثَ الْوارِدَةَ فِي فَضْلِ سُورَةِ الْإِخْلاصِ وَ خَواتِمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ:

وَ رُوِيَ عَنْ مَعاذِ بْنِ أَنَسِ الْجُهَنِّي رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللّهِ ﷺ قالَ: «مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ عَشَرَ مَرّاتٍ، بَنَى اللّهُ لَه بَيْتاً في الجنة»؛ فَقالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطّابِ رضي الله عنه: إِذاً نَسْتَكْثِرُ يارَسُولَ اللّهِ! قالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «اَللّهُ أَكْثَرُ وَ أَطْيَبُ»[۲].

وَ عَنْ عائِشَةَ ـ رَضِيَ اللّهُ عَنْها ـ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ رَجُلاً عَلىٰ سَرِيَّةٍ وَ كانَ يَقْرَأُ لِأَصْحابِهِ فِي صَلاتِهِمْ فَيَخْتَتِمُ بِـ﴿قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ﴾، فَلَمّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ فَقالَ: «سَلُوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذٰلِكَ؟» فَسَأَلُوهُ، فَقالَ: لِأَنَّها صِفَةُ الرَّحْمٰنِ وَ أَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِها، فَقالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَخْبِرُوهُ بِأَنَّ اللّهَ يُحِبُّهُ»[۳].

---

۱. رواه الترمذي عن مسلمة بن وردان عن أنس، و قال هذا حديث حسن.

۲. رواه أحمد.

۳. رواه البخاري و مسلم و النسائي.

وَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قال: «إِنَّ اللّٰهَ خَتَمَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ بِآيَتَيْنِ أَعْطانِيهِما مِنْ كَنْزِ الَّذِي تَحْتَ الْعَرْشِ، فَتَعَلَّمُوهُنَّ وَ عَلِّمُوهُنَّ نِساءَكُمْ وَ أَبْناءَكُمْ فَإِنَّها صَلاةٌ وَ قُرْآنٌ وَ دُعاءٌ»[۱].

وَ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رضی الله عنه أَنَّ أَباهُ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ كانَ لَهُمْ جُرَيْنٌ فِيهِ تَمْرٌ وَ كانَ مِمَّا يَتَعاهَدُهُ فَيَجِدُهُ يَنْقُصُ، فَحَرَسَهُ ذاتَ لَيْلَةٍ، فَإِذا بِدابَّةٍ كَهَيْئَةِ شِبْهِ الْغُلامِ الْمُحْتَلِمِ، قالَ: فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلامَ فَقالَ: ما أَنْتَ؟ جِنِّيٌّ أَمْ إِنْسِيٌّ؟ قالَ: جِنِّيٌّ قالَ: فَناوِلْنِي يَدَکَ! فَناوَلَه يَدَهُ، فَإِذا يَدُهُ يَدُ كَلْبٍ وَ شَعْرُهُ شَعْرُ كَلْبٍ، فَقالَ: هٰذا خَلْقُ الْجِنِّ؟ قالَ: قَدْ عَلِمَتِ الْجِنُّ أَنَّ مافِيهِمْ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنِّي، قالَ: فَما جاءَ بِكَ؟ قالَ: بَلَغَنا أَنَّكَ تُحِبُّ الصَّدَقَةَ فَأَحْبَبْنا أَنْ نُصيبَ مِنْ طَعامِكَ، قالَ: مَا الَّذِي يُحْرِزُنا مِنْكُمْ؟ قالَ: هٰذِهِ الْآيَةُ الَّتِي فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ: ﴿اَللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾، مَنْ قالَها حِينَ يُمْسِي أُجيرَ مِنّا حَتّى يُصْبِحَ، وَ مَنْ قالَها حينَ يُصْبِحُ أُجيرَ مِنّا حَتّى يُمْسِي، فَلَمّا أَصْبَحَ أَتىٰ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ فَذَكَرَ ذٰلِكَ لَهُ، فَقالَ: «صَدَقَ الْخَبيثُ»[۲].

وصیت بیست و هفتم

«در فضیلت بعضی از سوره‌های قرآن»

از انس رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ به مردی از یارانش فرمود: «ای فلانی! آیا ازدواج کرده‌ای؟» گفت: نه، به خدا سوگند ای رسول خدا! چیزی ندارم که بدان ازدواج کنم. فرمود: «آیا در حافظه‌ی تو ﴿قُلْ هُوَ

۱. رواه الحاکم و قال صحیح علی شرط البخاری.

۲. رواه النسائي و الطبراني بإسناد جيد و اللفظ له و ابن‌حبان في صحيحه.

اللّه أَحَدٌ﴾ نیست؟» گفت: بله، فرمود: «قل هو الله ثلث (یک سوم) قرآن است». فرمود: «آیا ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّه وَ الْفَتْحُ﴾ در حافظه‌ات نیست؟» گفت: بله، فرمود: «ربع (یک چهارم) قرآن است». فرمود: «آیا ﴿قُلْ يَا أَيُّهَاالْكَافِرُونَ﴾ را در حافظه نداری؟» گفت: بله، فرمود: «ربع (یک چهارم) قرآن است». فرمود: «آیا ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْضُ﴾ را از حفظ هستی؟» گفت: بله، فرمود: «یک چهارم قرآن است»؛ ازدواج کن، ازدواج کن!

ترمذی آن را از سلمة بن وردان و او نیز از انس روایت کرده و ترمذی گفته است: این حدیث، حدیثی حسن است».

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث‌های وارد شده در فضل سوره‌ی اخلاص و اواخر سوره‌ی بقره و آیة‌الکرسی را هم روایت می‌کنیم.

از معاذ بن انس الجهنیؓ روایت شده است که رسول فرموده است: «هرکس ده بار ﴿قُلْ هُوَ اللَّه أَحَدٌ﴾ را بخواند، خداوند برایش در بهشت خانه‌ای می‌سازد». عمر بن خطابؓ عرض کرد: ای رسول خدا! در این صورت، این کار را زیاد انجام می‌دهیم! رسول خداﷺ فرمود: «(در هر صورت، پاداش) خداوند زیادتر و پاک‌تر است».

احمد آن را روایت کرده است.

از عایشهؓ روایت شده است که پیامبرﷺ مردی را به سریه (فرماندهی سپاهی) فرستاد و او در نماز جماعتی که برای همراهانِ خود می‌خواند، قرائت قرآن می‌کرد و هربار قرآن خواندن را با ﴿قُلْ هُوَ اللَّه أَحَدٌ﴾ خاتمه می‌داد. وقتی برگشتند، یارانش این مطلب را برای نبیﷺ ذکر کردند. فرمود: از او بپرسید چرا این کار را می‌کرده است؟ از او پرسیدند. گفت: زیرا آن سوره صفت خدای رحمن است و من دوست دارم آن را

بخوانم. نبی ﷺ فرمود: به او خبر دهید که خداوند او را دوست دارد.

بخاری و مسلم و نسائی آن را روایت کرده‌اند.

از ابی‌ذر رضی الله عنه روایت شده است که نبی ﷺ فرمود: خداوند سوره‌ی بقره را به دو آیه‌ای ختم کرده است که آن‌ها را از گنج‌های زیرِ عرشِ خود به من عطا کرده است؛ پس آن‌ها را بیاموزید و به زنان و فرزندانتان هم یاد دهید زیرا آن دو آیه، هم نماز هستند و هم قرآن و هم دعا».

حاکم آن را روایت کرده و گفته است: صحیح است بنا به شرط بخاری.

از ابی‌بن کعب رضی الله عنه روایت شده است که: پدرش برایش نقل کرده است که: آن‌ها انبار کوچکی داشتند که در آن خرما بود و او همیشه از آن نگهداری می‌کرد. یک بار درمی‌یابد که مرتّب از خرمای انبار کم می‌شود و به همین دلیل، شبی از آن نگهبانی داد که ناگهان، جنبنده‌ای مانند پسر جوانی که به سن بلوغ رسیده باشد ظاهر شد و سلام کرد و کعب نیز سلامش را جواب داد و گفت: تو کیستی؟ جنی هستی یا انسان؟ گفت: جنی هستم. کعب گفت: دستت را به من بده، و او دستش را به کعب داد. کعب دید که دستش دست سگ و مویش موی سگ است و گفت: خلقت جن این است؟! جنی گفت: جنیان همه می‌دانند که در میان ایشان کسی نیرومندتر از من نیست. کعب پرسید: پس چرا به این جا آمده‌ای؟ جنی گفت: به ما خبر رسیده است که تو صدقه دادن را دوست داری و ما هم دوست داشتیم از غذایت بهره‌مند شویم. کعب گفت: چه چیزی ما را از (شر و بدی) شما محافظت می‌کند؟ گفت: این آیه که در سوره‌ی بقره است ﴿اللّٰه لاَ اِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (آیةالکرسی)؛ هرکس آن را در اول شب بخواند، تا صبح از ما در امان و محفوظ است و هرکس در اول صبح آن را بخواند، تا شب از ما در امان و

محفوظ می‌شود. کعب، صبحِ فردا نزد رسولﷺ آمد و این واقعه را برایش ذکر کرد. رسول فرمود: آن خبیث (جنی) راست گفته است.

نسائی آن را روایت کرده و طبرانی نیز با اسناد استوار و قاطع روایت کرده است و لفظ حدیث نیز از اوست و ابن‌حبان هم در صحیحش آن را روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّامِنَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فَضْلُ سُورَةِ الْإِخْلاصِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ»

عَنْ مَعاذِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ حُبَيبٍ عَنْ أَبِيهِ -رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا- قالَ: أَصَابَنَا طَشٌّ وَ ظُلْمَةٌ فَانْتَظَرْنَا رَسُولَ اللّهِ ﷺ لِيُصَلِّيَ بِنَا، فَخَرَجَ فَقَالَ: «قُلْ!»، قُلْتُ: مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَ حِينَ تُصْبِحُ ثَلاثاً يَكْفِيكَ كُلَّ شَيْءٍ».[1]

وصیت بیست و هشتم

«فضیلت سوره‌ی اخلاص و معوذتین[2] (ناس و فلق)»

از معاذ بن عبدالله بن حُبیب روایت شده که او از پدرش رضی الله عنهما روایت کرده است که گفت: یک بار باران و تاریکیِ زیادی ما را فراگرفت و ما منتظر رسول خدا ﷺ شدیم تا برایمان نمازِ جماعت بخواند. رسول از خانه خارج شد و فرمود: بگو: گفتم: چه بگویم؟ گفت: سه بار قل هو الله احد و سه بار دو سوره‌ی معوذّتین (ناس و فلق) را شب هنگام و صبح هنگام بخوان تو را از هر چیزی کفایت می‌کند.

ابوداود آن را روایت کرده و لفظِ حدیث از اوست و ترمذی هم آن را روایت کرده و گفته: حدیثی حسن و صحیح غریب است.

---

۱. رواه أبو داود و اللفظ له، و الترمذي و قال حسن صحيح غريب.

۲. دو سوره‌ی ناس و فلق، با «قل اعوذ» شروع می‌شود.

اَلْوَصِيَّةُ التَّاسِعَةُ وَ الْعِشْرُونَ

«فِي فَضْلِ الْمُعَوِّذَتَيْنِ»

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللّهِﷺ: «أَلَمْ تَرَ آيَاتٍ أُنْزِلَتِ اللَّيْلَةَ لَمْ يُرَ مِثْلُهُنَّ: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾».[1]

قَالَ: «كُنْتُ أَقُودُ بِرَسُولِ اللّهِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ: «يَا عُقْبَةُ! أَلاٰ أُعَلِّمُكَ خَيْرَ سُورَتَيْنِ قُرِئَتَا»، فَعَلَّمَنِي ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، فَذَكَرَ الْحَدِيثَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ لِأَبِي دَاوُدَ قَالَ: بَيْنَمَا أَنَا أَسِيرُ مَعَ رَسُولِ اللّهِﷺ بَيْنَ الْجُحْفَةِ وَالْأَبْوَاءِ إِذْ غَشِيَتْنَا رِيحٌ وَ ظُلْمَةٌ شَدِيدَةٌ، فَجَعَلَ رَسُولُ اللّهِﷺ يَتَعَوَّذُ بِ«أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، وَ «أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، وَ يَقُولُ: «يَا عُقْبَةُ! تَعَوَّذْ بِهِمَا، فَمَا تَعَوَّذَ مُتَعَوِّذٌ بِمِثْلِهِمَا»؛ قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ يَؤُمُّنَا بِهِمَا فِي الصَّلاةِ.

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَ الآتِي:

وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللّهِ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «اِقْرَأْ يَا جَابِرُ!» فَقُلْتُ: وَ مَا أَقْرَأُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي؟ قَالَ: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، وَلَنْ تَقْرَأَ بِمِثْلِهِمَا، فَقَرَأْتُهُمَا، فَقَالَ: «اِقْرَأْ بِهِمَا».[2]

---

۱. رواه مسلم و الترمذی و النسائي و أبو داود.

۲. رواه النسائي و ابن‌حبان.

وصیت بیست و نهم

«فضل معوِّذتَیْن (دو سوره‌ی ناس و فلق)»

از عقبة بن عامر رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «آیا آیاتی را که امشب نازل شدند و مانندِ آن‌ها دیده نشده است، ندیده‌ای؟ آن آیات ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ هستند.

مسلم و ترمذی و نسائی و ابوداود آن را روایت کرده‌اند و لفظ روایتِ ابوداود این است: عقبه می‌گوید: در سفری، من افسار حیوان سواری رسول خدا صلی الله علیه وسلم را گرفته بودم که فرمود: «ای عقبه! آیا بهترینْ دو سوره‌ای را که خوانده شده‌اند به تو یاد بدهم؟ و سپس، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را به من یاد داد. عقبه سپس، حدیث فوق را ذکر می‌کند.

در روایتی دیگر از ابی‌داود آمده است که عقبه می‌گوید: زمانی با رسول خدا صلی الله علیه وسلم بین جحفه و ابواء حرکت می‌کردم که ناگهان باد و تاریکی شدیدی ما را در بر گرفت. رسول خدا صلی الله علیه وسلم شروع کرد به دعا کردن و پناه بردن به خدا با ﴿أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و می‌فرمود: «ای عقبه! با این دو سوره به خداوند پناه ببر که هیچ دعا کننده و پناه برنده‌ای با چیز دیگری مانند آن دو سوره به خداوند پناه نبرده است». عقبه می‌گوید: حتی شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز جماعت هم همان دو سوره را برای ما قرائت فرمود.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از جابر پسر عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «ای جابر! بخوان». گفتم: پدر و مادرم فدایت باد! چه بخوانم؟ فرمود: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را، که هرگز مانند آن

دو سوره را نخواهی خواند». من آن دو سوره را خواندم و ایشان فرمود: «آن دو سوره را بخوان».

نسائی و ابن‌حبان آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّلاثُونَ

«فِي إِحْيَاءِ سُنَّةِ رَسُولِ اللّهِ ﷺ»

عَنْ عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ ﷺ أَنَّ النَّبِيَّ ـ عَلَيْهِ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ ـ قَالَ لِبِلالِ بْنِ الْحَارِث يَوْماً: «اِعْلَمْ يَا بِلالُ!» فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ يَا رَسُولَ اللّهِ؟! قَالَ: «اِعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ أَحْيَا سُنَّةً مِنْ سُنَّتِي قَدْ أُمِيتَتْ بَعْدِي، كَانَ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مِثْلَ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ، وَ مَنْ ابْتَدَعَ بِدْعَةَ ضَلالَةٍ لا يَرْضَاهَا اللّهُ وَ رَسُولُهُ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلَ آثَامِ مَنْ عَمِلَ بِهَا لا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ أَوْزَارِ النَّاسِ شَيْءٌ».[۱]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ نَرْوِي الْحَدِيثَ الآتِي:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ـ رضي اللّه عنهما ـ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ أُمَّتِي، فَلَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ».[۲]

إِلَّا أَنَّهُ قَالَ «فَلَهُ أَجْرُ شَهِيدٍ».

وصیت سی‌ام

«زنده کردنِ سنّتِ رسول خدا ﷺ»

از عمرو بن عوف ﷺ روایت شده است که نبی ﷺ روزی به بلال بن حارث گفت: ای بلال! بدان؛ گفت: ای رسول خدا! چه بدانم؟ فرمود: «بدان که هرکس سنتی از سنت‌های مرا که بعد از من از بین رفته زنده گرداند،

۱. رواه الترمذي و ابن‌ماجه و قال الترمذي: حديث حسن.
۲. رواه البيهقي من رواية الحسن بن قتيبة و الطبراني من حديث أبی هريرة بإسناد لابأس به.

پاداشش مانند پاداش همه‌ی کسانی است که به آن عمل می‌کنند بدون این‌که از پاداش آنان هم چیزی کم شود و هرکس که بدعتِ گمراهی و رسمِ نوانحرافی‌ای را به وجود بیاورد که خدا و رسولش از آن راضی و خشنود نیستند، گناهانِ تمام کسانی که بدان بدعت عمل می‌کنند بر او نیز هست و البتّه این چیزی از بار گناهان مردمِ عمل کننده به آن بدعت هم کم نمی‌کند.

ترمذی و ابن‌ماجه آن را روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است».

برای فایده‌ی بیشتر حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از ابن‌عباسرضی الله عنهما روایت شده که نبیﷺ فرمود: «هرکس به سنت و روش من در هنگامِ تباهی و فسادِ امتم چنگ بزند، پاداش صد شهید را دارد».

«بیهقی آن را از روایتِ حسن بن قتیبه روایت کرده است و طبرانی از حدیث ابی‌هریرهرضی الله عنه آن را با اِسنادی که در آن هیچ اشکال و تردیدی نیست روایت کرده است، جز آن‌که او آورده است که رسولﷺ فرمود: «اجر و پاداش یک شهید را دارد».

اَلْوَصِيَّةُ الْحَادِيَةَ وَ الثَّلاثُونَ

«فِي الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا»

عَنْ أَبِي الْعَبّاسِ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّهِ! دُلَّنِي عَلَىٰ عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِيَ اللّهُ وَ أَحَبَّنِي النَّاسُ، فَقَالَ: «اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبُّكَ اللّهُ، وَ ازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ».[١]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَ الْآتِيَ فِي زُهْدِ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللّهِ ﷺ فِي الدُّنْيَا:

عَنْ عَبْدِاللّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: نَامَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَ قَدْ أَثَرَ فِي جَنْبِهِ، فَقُلْنَا: يَارَسُولَ اللّهِ! لَوِ اتَّخَذْنَا لَكَ وِطَاءً، فَقَالَ: «مَا لِيَ وَ لِلدُّنْيَا؟ مَا أَنَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا كَرَاكِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا».[٢]

وَ الْحَدِيثُ الْآتِي يَحُثُّنَا عَلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا:

عَنْ عُبَيْدِ اللّهِ بْنِ مُحْصَنٍ الْخَطْمِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِناً فِي سِرْبِهِ، مُعَافىً فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوتُ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَذافِيرِهَا».[٣]

وَ نَرْوِي كَذٰلِكَ الْحَدِيثَ الَّذِي رَوَاهُ جَابِرٌ رضي الله عنه فِي الْقَنَاعَةِ:

رُوِيَ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «اَلْقَنَاعَةُ كَنْزٌ، ـ وَ قَدْ وَرَدَ ـ مَالٌ لَا يَفْنَىٰ».[٤]

---

١. حديث حسن رواه ابن‌ماجه و غيره بأسانيد حسنة.

٢. رواه الترمذي و قال: حديث حسن صحيح.

٣. رواه الترمذي و قال: حديث حسن غريب.

٤. رواه البيهقي في كتاب الزهد.

وصیت سی و یکم

«زهد و بی‌رغبتی به دنیا»

از ابی‌العباس سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: مردی نزد نبیﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا! مرا به عملی راهنمایی کن که اگر انجام دهم خدا و مردم مرا دوست داشته باشند. فرمود: «در دنیا زهد بورز (نسبت به دنیا بی‌رغبت باش) که آن‌گاه، خدا تو را دوست خواهد داشت و نسبت به آن‌چه که مردم دارند زهد پیشه کن (از ایشان مخواه و توقع آن را نداشته باش) که در آن صورت، مردم تو را دوست خواهند داشت».

حدیث حسن است و ابن‌ماجه و دیگران با اِسنادهایی خوب آن را روایت کرده‌اند.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را درباره‌ی زهد سرورمان، رسول خداﷺ در دنیا روایت می‌کنیم:

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ بر حصیری خوابیده بود، وقتی که برخاست، زبری حصیر در پهلویش اثر کرده بود. ما به ایشان عرض کردیم: ای رسول خدا! کاش برایتان فرشی فراهم می‌کردیم! فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! من در دنیا مانند سواری هستم که اندکی در زیر سایه‌ی درختی بنشیند و سپس برود و درخت را ترک کند».

ترمذی آن را روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن صحیح است.

حدیث زیر هم ما را به زهد در دنیا تشویق می‌کند:

از عبیدالله بن محصن خطمی رضی الله عنه روایت شده است که رسول خداﷺ فرمود: «هرکدام از شما در حالی شب را به روز برساند که در مسیر زندگیِ

خود، در امنیّت و در جسمش دارای سلامت بوده و قوت و خوراک آن روز را داشته باشد، گویی که دنیا با تمام جوانبش به او روی آورده است».

ترمذی آن را روایت کرده و گفته است: حدیث حسن غریبی است.

از جابرﷺ روایت شده است که گفت: نبیﷺ فرمود: «قناعت گنجی ست ـ قناعت مالی است هم گفته شده است ـ که فانی و نابود نمی‌شود».

بیهقی آن را در کتاب زهد روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّانِيَةُ وَ الثَّلاثُونَ

«اَلْجِوَارُ مِنَ النَّارِ»

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُسْلِمِ التَّمِيمِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ لِيَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ، فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تُكَلِّمَ أَحداً مِنَ النَّاسِ: اَللّٰهُمَّ! أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّكَ إِنْ مُتَّ مِنْ يَوْمِكَ ذٰلِكَ، كَتَبَ لَكَ اللّٰهُ جِوَاراً مِنَ النَّارِ، وَ إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تُكَلِّمَ مِنَ النَّاسِ: اَللّٰهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّكَ إِنْ مُتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ، كَتَبَ اللّٰهُ لَكَ جِوَاراً مِنَ النَّارِ».[۱]

وصیت سی و دوم

«پناه گرفتن از آتش»

از حارث بن مسلم تمیمی رضي الله عنه روایت شده است که گفت: نبی ﷺ به من فرمود: «هرگاه نماز صبح را خواندی، قبل از این‌که با کسی از مردم سخن بگویی، هفت بار بگو: ﴿اَللّٰهُمَّ أَجِرْنِی مِنَ النَّارِ﴾ (خداوندا! مرا از آتش پناه بده)، که در این صورت، اگر در همان روز بمیری، خداوند برای تو امان و پناهی از آتش جهنم مقرر خواهد فرمود و هرگاه نماز مغرب را گزاردی، قبل از این‌که با کسی از مردم صحبت کنی، هفت بار بگو: ﴿اَللّٰهُمَّ أَجِرْنِی مِنَ النَّارِ﴾ (خداوندا! مرا از آتش امان ده)، که در این صورت، اگر در همان شب بمیری، خداوند برای تو امان و پناهی از آتش جهنم مقرّر می‌دارد».

نسائی آن را روایت کرده و این لفظ حدیث هم از اوست.

---

۱. رواه النسائي و هذا لفظه.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّالِثَةُ وَ الثَّلاثُونَ

«رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ أَنَّ أَعْرَابِيّاً أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَارَسُولَ اللّهِ! دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، قَالَ: «تَعْبُدُ اللّهَ لَاتُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَ تُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَ تُؤْتِي الزَّكاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَ تَصُومُ رَمَضَانَ»، قَالَ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أَزِيدُ عَلَى هٰذَا وَ لَا أَنْقُصُ مِنْهُ! فَلَمَّا وَلَّى، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى هٰذَا»[1].

وصیت سی و سوم

«مردی از اهل بهشت»

از ابی‌هریره ﷺ روایت شده است که عربی بیابان‌گرد نزد نبی ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا به عملی راهنمایی کن که اگر آن عمل را انجام دهم داخل بهشت شوم. فرمود: «خدا را عبادت می‌کنی و هیچ چیزی را شریک وی نمی‌سازی و نمازِ واجب را به پا می‌داری و زکات واجب را می‌پردازی و رمضان را روزه می‌گیری». مرد گفت: به کسی که جانِ من بـه دست اوست سوگند می‌خورم که نه بر این اعمال چیزی می‌افزایم و نه از آن چیزی کم می‌کنم! وقتی که برگشت، نبی ﷺ فرمود: «هرکس دوست دارد که به مردی از اهل بهشت نگاه کند، به این مرد بنگرد».

بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

---

۱. رواه البخاري و مسلم.

اَلْوَصِيَّةُ الرَّابِعَةُ وَ الثَّلاثُونَ

«صَلاةُ الْاِسْتِخَارَةِ»

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللّهِ ـ رضى الله عَنْهُمَا ـ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللّهِﷺ يُعَلِّمُنَا الْاِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كِلِّهَا كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ، يَقُولُ: «إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لْيَقُلْ: «اَللّٰهُمَّ! إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَ أَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لاَ أَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لاَ أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ، اَللّٰهُمَّ! إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي ـ أو قال: وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ ـ فَاقْدُرْهُ لِي وَ يَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي ـ أو قال: وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ ـ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ ارْضِنِي بِهِ». قَالَ: وَ يُسَمِّي حَاجَتَهُ.[1]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَديثَ الْوَارِدَ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقّاصٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ اسْتِخَارَتُهُ اللّهَ عَزَّ وَجَلّ»[2]. و زاد: «وَ مِنْ شِقْوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللّهِ»؛ و قال: صحيح الإسناد.

وصیت سی و چهارم

«نماز استخاره (طلب کردن خیر در کاری)»

از جابر پسر عبدالله ـ رضی الله عنهما ـ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ، استخاره کردن در تمام کارها را به ما یاد می‌داد؛ چنان‌که سوره‌ای از

---

۱. رواه البخاري و أبوداود و الترمذي.　۲. رواه الإمام أحمد و أبويعلى و الحاكم.

قرآن را به ما یاد می‌داد. می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما به انجام کاری همت کرد، دو رکعت نماز سنت بخواند و سپس، بگوید:

«اَللّٰهُمَّ! إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَ أَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لاَ أَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لاَ أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ، اَللّٰهُمَّ! إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي ـ یا بگوید: وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ ـ فَاقْدُرْهُ لِي وَ يَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي ـ یا بگوید: وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ ـ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ ارْضِنِي بِهِ».

فرمود: پس از این دعا، نیازش را نام ببرد.

ترجمه‌ی دعا: خداوندا! من از تو طلب خیر می‌کنم چون تو می‌دانی و از قدرتت قدرت می‌خواهم چون تو می‌توانی و از تو بخشش عظیم و زیادت را می‌خواهم؛ زیرا تو توانایی و قدرت داری و من قدرت ندارم، تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانند‌ه‌ی غیبی و از تمام خفایا آگاه هستی. خداوندا! اگر می‌دانی این کار برایم در دین و زندگی و سرانجام کارم ـ یا بگوید: در حال و آینده‌ی وضعیّتم ـ خیر و خوب است، آن را برایم مقدر کن و آسان گردان و در آن برکت برایم قرار ده و اگر می‌دانی که این کار در دین و زندگی و عاقبت کارم ـ یا بگوید: در حال و آینده‌ی وضعیّتم ـ شر و بدی است، آن را از من دور کن و مرا از آن دور گردان و خیر را هر جا که هست برایم مقدر کن و سپس هم مرا بدان راضی گردان.

بخاری و ابوداود و ترمذی آن را روایت کرده‌اند.

برای فایده‌ی بیشتر، این حدیث را هم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت

می‌کنیم، که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «استخاره (طلب خیر) از خدای عزیز و جلیل، از خوشبختی و سعادتِ بنی آدم است».

امام احمد و ابویعلی و حاکم آن را روایت کرده‌اند و حاکم اضافه کرده است که: «ترک کردنِ استخاره از خدا، از شقاوت و بدبختی بنی آدم است» و گفته است: اسنادِ آن صحیح است».

اَلْوَصِيَّةُ الْخَامِسَةُ وَ الثَّلاثُونَ

«دُعَاءٌ لِتَفْرِيجِ الْهَمِّ وَ الْغَمِّ بِإِذْنِ اللّهِ»

رَوَاهُ الْأَصْبَهَانِي مِنْ حَدِيثِ أَنَسٍ﵁ وَ لَفْظُهُ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «يَا عَلِي! أَلاٰ أُعَلِّمُكَ دُعَاءً إِذَا أَصَابَكَ غَمٌّ أَوْ هَمٌّ تَدْعُو بِهِ رَبَّكَ فَيُسْتَجَابُ لَكَ بِإِذْنِ اللّهِ وَ يُفَرِّجُ عَنْكَ؟ تَوَضَّأْ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَاحْمِدِ اللّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَىٰ نَبِيِّكَ وَ اسْتَغْفِرْ لِنَفْسِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، ثُمَّ قُلْ: اَللّٰهُمَّ! أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ لاَ إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لاَ إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ، كَاشِفَ الْغَمِّ مُفَرِّجَ الْهَمِّ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِذَا دَعَوْكَ رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا! فَارْحَمْنِي فِي حَاجَتِي هٰذِهِ بِقَضَائِهَا وَ نَجَاحِهَا رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ».

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَ الْآتِي:

عَنْ ابْنِ عَبّاسٍ ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا ـ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ «جَائَنِي جِبْرِيلُ﵇ بِدَعْوَاتٍ، فَقَالَ: إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ مِن أَمْرِ دُنْيَاكَ، فَقَدِّمْهُنَّ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ: «يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَاذَا الْجَلاَلِ وَ الْإِكْرَامِ يَاصَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَاغِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَاكَاشِفَ السُّوءِ يَاأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَامُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَاإِلٰهَ الْعَالَمِينَ! بِكَ أَنْزِلُ حَاجَتِي وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا فَاقْضِهَا».[1]

---

۱. رواه الأصبهانی و له شواهد کثیرة.

وصیت سی و پنجم

«دعا برای برطرف شدن غم و اندوه به اجازه‌ی خدا»

اصفهانی آن را از حدیث انس رضی الله عنه روایت کرده و روایت اصفهانی این است که: نبی ﷺ فرمود: «ای علی! آیا دعایی به تو یاد ندهم که هرگاه غم و غصه‌ای به تو رسید به وسیله‌ی آن دعا پروردگارت را بخوانی و به اذن خدا دعایت مستجاب شود و غم از تو دور شود؟ وضو بگیر و دو رکعت نماز بگزار و خدا را حمد و ستایش کن و او را ثنا بگو و بر پیامبرت سلام بفرست و برای خود و مردان و زنان با ایمان استغفار (طلب آمرزش) کن و سپس، بگو: «**اَللّٰهُمَّ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ كَاشِفَ الْغَمِّ مُفَرِّجَ الْهَمِّ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِذَا دَعَوْكَ رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا! فَارْحِمْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ بِقَضَائِهَا وَ نَجَاحِهَا رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ**».

(خداوندا! تو میان بندگانت در آن‌چه که اختلاف دارند حکم و قضاوت می‌کنی. هیچ خدایی به جز خدای بلند قدر و بزرگ نیست، هیچ خدایی به جز خدای بردبار و کریم نیست، پاک است خدایی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار عرش بزرگ است. حمد و ستایش خدای پروردگار جهانیان راست. خداوندا! ای از بین برنده‌ی غم و گشاینده‌ی غصه! و ای پذیرنده‌ی دعای بی‌چارگان آن گاه که ترا می‌خوانند! ای بخشنده‌ی مهربان! در دنیا و آخرت! در رفع و رواکردنِ نیازم به من رحم کن رحمی که مرا از رحمت غیر

خودت بی‌نیاز کند).

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

از ابن‌عباس رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «جبرئیل - بر او سلام باد - دعاهایی را نزد من آورد و فرمود: هرگاه کاری از کارهای دنیوی برایت پیش آمد) آن دعاها را پیش از بیان نیازت بخوان و سپس نیازت را بخواه بدین گونه: «**يَا بَدِيعَ السَّمَواتِ وَ الْأَرْضِ يَاذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَاصَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَاغيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَاكَاشِفَ السُّوءِ يَاأَرحَمَ الرَّاحِمِينَ يَامُجِيبَ دَعْوَةِالْمُضْطَرِّينَ يَاإِلٰهَ الْعَالَمِينَ! بِكَ أَنْـزِلُ حَاجَتِي وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا فَاقْضِهَا**»

«اصبهانی آن را روایت کرده و شواهد فراوانی بر صحت آن وجود دارد.

«ای پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای صاحب جلال و بخشش و خوبی! ای فریادرسِ فریاد خواهان! ای کمک کننده‌ی کمک خواهان! ای از بین برنده‌ی بدی! ای مهربان‌ترین مهربانان! ای اجابت کننده‌ی دعای بیچارگان! ای خدای جهانیان! نیازم را به تو می‌گویم در حالی‌که تو به نیازم داناتری، پس حاجتم را روا کن».

اَلْوَصِيَّةُ السَّادِسَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

«كَثْرَةُ السُّجُودِ يُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ»

عَنْ أَبِي فِرَاسٍ رَبِيعَةَ بْنِ كَعْبٍ الْأَسْلَمِيِّ رضي الله عنه خَادِمِ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ وَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، قَالَ: كُنْتُ أَبِيتُ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ فَأَتَيْتُهُ بِوَضُوئِهِ وَ حَاجَتِهِ، فَقَالَ لِي: «سَلْنِي!» فَقُلْتُ: أَسْأَلُكَ مُرَافَقَتَكَ فِي الْجَنَّةِ! فَقَالَ: «أَوَ غَيْرَ ذٰلِكَ!» قُلْتُ: هُوَ ذَاكَ، قَالَ: «فَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ».[1]

وصیت سی و ششم

«سجده‌ی زیاد تو را داخل بهشت می‌کند»

از ابی‌فراس ربیعة بن کعب اسلمی رضی الله عنه خادم رسول خداﷺ و از اهل صُفّه، روایت شده است که گفت: من شب را با رسول خداﷺ به روز می‌آوردم و آبِ وضو و وسایل مورد نیاز ایشان را برایشان فراهم می‌کردم و آن حضرت به من فرمود: چیزی از من بخواه! گفتم: از شما همراهی با خودتان در بهشت را می‌خواهم! فرمود: «چیز دیگری غیر از این طلب کن» گفتم: همان همراهی را می‌خواهم. فرمود: «پس با سجده‌ی فراوان مرا در این کار یاری کن».

مسلم آن را روایت کرده است.

---

۱. رواه مسلم.

اَلْوَصِيَةُ السَّابِعَةُ وَالثَّلاثُونَ

«فِي إِطْعَامِ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءِ السَّلامِ وَ قِيَامِ اللَّيْلِ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قُلْتُ: يَارَسُولَ اللّهِ ﷺ! إِنِّي إِذَا رَأَيْتُكَ طَابَتْ نَفْسِي وَ قَرَّتْ عَيْنِي، أَنْبِئْنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ، قَالَ: «كُلُّ شَيْءٍ خُلِقَ مِنَ الْمَاءِ»، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِشَيْءٍ إِذَا عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، قَالَ: «أَطْعِمِ الطَّعَامَ، وَ أَفْشِ السَّلامَ، وَ صِلِ الْأَرْحَامَ، وَ صَلِّ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، تَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِسَلامٍ».[1]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْأَحَادِيثَ الْآتِيَةَ:

اَلْأَوَّلُ: عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفاً يُرَىٰ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا، وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا أَعَدَّهَا اللّهُ لِمَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَ أَفْشَى السَّلامَ، وَ صَلَّىٰ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ».[2]

اَلثَّانِي: عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللّهَ خَيْراً مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهَا وَ ذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ».[3]

اَلثَّالِثُ: وَ رَوَى الطَّبَرَانِي فِي الْكَبِيرِ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَسْتَقِظُ مِنَ اللَّيْلِ فَيُوقِظُ امْرَأَتَهُ فَإِنْ غَلَبَهَا النَّوْمُ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا الْمَاءَ، فَيَقُومَانِ فِي بَيْتِهِمَا فَيَذْكُرَانِ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا».

---

۱. رواه أحمد و ابن‌أبی الدّنیا و ابن‌حبان في‌صحیحه و اللّفظ له.

۲. رواه ابن‌حبّان في صحیحه. ۳. رواه مسلم.

اَلرَّابِعُ: وَ رُوِيَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولَ اللّهِ ﷺ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ رَغَبَ فِيهَا حَتَّىٰ قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِصَلاةِ اللَّيْلِ وَ لَوْ رَكْعَةً».[۱]

وصیت سی و هفتم

«غذا دادن و شایع ساختنِ سلام و شب زنده داری»

از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول خدا! من هرگاه شما را می‌بینم دلم شاد و چشمم روشن می‌شود. از هر چیزی به من خبر بده (مرا از هر چیزی آگاه کن)! فرمود: «هر چیزی از آب آفریده شده است». گفتم: مرا از چیزی آگاه کن که اگر آن را انجام دهم داخل بهشت شوم. فرمود: «(به نیازمندان و مردم) غذا بده و به همه و همیشه سلام کن و صله‌ی رحِم به جا بیاور و شب در حالی‌که مردم خوابیده‌اند نماز بخوان، به سلامت داخل بهشت می‌شوی».

احمد و ابن‌ابی الدنیا آن را روایت کرده‌اند و ابن‌حبان آن را در صحیحش روایت کرده و لفظ حدیث نیز از اوست.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث‌های زیر را هم روایت می‌کنیم.

اول: از ابـی‌مالک اشـعری رضی الله عنه روایت شـده است کـه نـبی ﷺ فـرمود: «بـی‌شک در بـهشت غـرفه‌ها و بـالاخانه‌هایی را کـه بـیرونشان از درون و درونشان از بیرون دیده می‌شود و خداوند آن را برای کسی که طعام دهد و به همه و همیشه سلام کند و شب در حالی‌که مردم خوابیده‌اند نماز بخوانـد، آماده کرده است».

ابن‌حبان آن را در صحیحش روایت کرده است.

---

۱. رواه الطّبراني في الكبير و الأوسط.

دوم: از جابرﷺ روایت شده است که گفت: از رسول خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: «همانا در شب ساعتی وجود دارد که هر مسلمانی در آن هر چیزی از امور دنیا و آخرت را از خدا بخواهد، خداوند قطعاً آن را به او می‌بخشد و این ساعت در هر شبی هست».

مسلم آن را روایت کرده است.

سوم: طبرانی در کتاب الکبیرش از ابی‌مالک اشعریﷺ روایت کرده است که ابی‌مالک گفت: رسول خداﷺ فرمود: «هرد مردی که، پاسی از شب گذشته، بیدار شود و سپس زنش را هم بیدار کند و اگر خواب بر زنش چیره شود، در صورتش آب بپاشد و آن‌گاه، هردو در خانه‌شان به پا خیزند و خدای عزیز و جلیل را در پاره‌ای از شب ذکر کنند، قطعاً گناهانِ او و زنش آمرزیده می‌شود».

چهارم: از ابن‌عباس ـ خداوند از هر دو راضی باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ ما را به نماز شب امر فرمود و به آن تشویق کرد تا آن جا که فرمود: «نماز شب بخوانید حتی اگر یک رکعت هم بوده باشد!».

طبرانی آن را در کتاب الکبیر و الاوسط روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّامِنَةُ وَالثَّلاثُونَ

«فِي إِطْعَامِ الْجَارِ»

وَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِﷺ: «يَا أَبَـاذَرٍّ! إِذَا طَـبَخْتَ فَأَكْـثِرِ الْمَرَقَ، وَ تَعَاهَدْ جِيرَانَكَ».[1]

وَ فِي رِوَايَةٍ لَهُ قَالَ: إِنَّ خَلِيلِيﷺ قَالَ لِي: «لَا تَدَعَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئاً إِلَّا فَعَلْتَهُ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ عَلَيْهِ فَكَلِّمِ النَّاسَ وَ أَنْتَ إِلَيْهِمْ طَلِيقٌ، وَ إِذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَ اغْرِفْ لِجِيْرَانِكَ فَأَصِبْهُمْ مِنْهَا بِمَعْرُوفٍ».[2]

وصیت سی و هشتم

«در غذا دادن به همسایه»

از ابوذر رضي الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا فرمود: «ای ابـوذر! هرگاه غذایی پختی، شوربا (آبش) را زیاد کن و هـمسایه‌ات را هـم در نـظر داشته باش و بدین وسیله از آنان سرکشی و احوال‌پرسی کن».

مسلم آن را روایت کرده است.

در روایت دیگری از ابوذر آمده است که گفت: محبوبم، رسول خداﷺ به من فرمود: «هیچ کارِ نیکی را ترک مکن و همه را انجام بده و اگر بر انجام آن قادر نبودی، با گشاده‌رویی با مردم صحبت کن و هرگاه شوربایی (غذایـی) می‌پزی، آبش را زیاد کن و کاسه‌ای هم برای همسایه‌ات ببر و سهمی خوب از آن را بدانان بده».

ابن‌النجار آن را روایت کرده است.

---

۱. رواه مسلم.
۲. ابن‌النجار.

اَلْوَصِيَّةُ التَّاسِعَةُ وَ الثَّلاثُونَ

«فِي حُبِّ الْمَسَاكِينِ»

عَنْ أَبِي ذَرٍّ ﷺ قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيْلِي مُحَمَّدٌ ﷺ بِسَبْعٍ:

١: أَنْ أَنْظُرَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنِّي وَ لَا أَنْظُرَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقِي.

٢: وَ أَنْ أُحِبَّ الْمَسَاكِينَ وَ أَنْ أَدْنُوَ مِنْهُمْ.

٣: وَ أَنْ أَصِلَ رَحِمِي وَ إِنْ قَطَعُونِي وَ جَفَوْنِي.

۴: وَ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ مُرّاً.

۵: وَ أَنْ لَا أَخَافَ فِي اللّٰهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ.

۶: وَ أَنْ لَا أَسْأَلَ أَحَداً شَيْئاً.

٧: وَ أَنْ أَسْتَكْثِرَ مِنْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ.[١]

وصیت سی و نهم

«در دوستی فقیران»

از ابی‌اذر ﷺ روایت شده است که گفت: محبوبم، رسول خدا ﷺ مرا به هفت چیز وصیت کرد:

۱ـ به کسی که پایین‌تر از خودم است نگاه کنم نه به کسی که بالاتر است.

۲ـ فقیران را دوست بدارم و به ایشان نزدیک شوم.

۳ـ صله‌ی رحِم خود را به جا بیاورم (به دیدار اقوام بروم) حتی اگر هم آنان با من قطع رابطه کنند و در حقم ستم روا دارند.

---

۱. رواه أحمد و الطّبراني.

۴ـ حق را بگویم، هرچند که تلخ باشد.

۵ـ در راه خدا از سرزنش کنندگان نترسم.

۶ـ از کسی چیزی نخواهم.

۷ـ (**لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ**) را زیاد بگویم چون که از گنج‌های عرش (خدا) است.

احمد و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الْأَرْبَعُونَ

«تَعْرِيفُ الْفَقْرِ»

وَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «يَا أَبَاذَرٍّ! أَتَرَىٰ أَنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ هُوَ الْغِنَىٰ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللّهِ ﷺ! قَالَ: «وَ قِلَّةَ الْمَالِ هُوَ الْفَقْرَ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللّهِ ﷺ! قَالَ: «إِنَّمَا الْغِنَىٰ غِنَى الْقَلْبِ، وَالْفَقْرُ فَقْرُ الْقَلْبِ وَ مَنْ كَانَ الْغِنَىٰ فِي قَلْبِهِ فَلَا يَضُرُّهُ مَا لَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا، وَ مَنْ كَانَ الْفَقْرُ فِي قَلْبِهِ فَلَا يُغْنِيهِ مَا أَكْثَرَ مِنَ الدُّنْيَا وَ إِنَّمَا يَضُرُّ نَفْسَهُ شُحُّهَا».[1]

وصیت چهلم

«شناسایی فقر و نیازمندی»

از ابوذر رضي الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «ای اباذر! آیا زیادیِ مال را غنا و بی‌نیازی می‌بینی؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمود: «و کمیِ مال را فقر و نیازمندی می‌دانی؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمود: «بی‌نیازی، فقط بی‌نیازیِ قلب و نیازمندی، فقط نیازمندی قلب است و هرکس که بی‌نیازی و غنا در قلبش باشد، به هر سختی و مشکلِ دنیا هم دچار شود، این به او ضرری نمی‌رساند و آن‌کس که نیازمندی و فقر در قلبش باشد، از دنیا هرچه بیشتر هم به دست آورد او را بی‌نیاز و غنی نمی‌کند و در واقع فقط بخل و آزمندی نفسش است که به او ضرر می‌رساند».

ابن‌حبان آن را در صحیحش روایت کرده است.

---

۱. رواه ابن‌حبان في صحیحه.

اَلْوَصِيَّةُ الْحَادِيَةُ وَ الأَرْبَعُونَ

«فِي تَقْوَى اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

وَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّهِ! أَوْصِنِي؟ قَالَ: «أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الأَمْرِ كُلِّهِ»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّهِ! زِدْنِي؟ قَالَ: «عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ ذِكْرِ اللّهِ تَعَالَىٰ، فَإِنَّهُ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ، وَ ذِكْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ».[1]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَيْنِ الآتِيَيْنِ فِي فَضْلِ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ:

اَلْأَوَّلُ: عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «اِقْرَؤُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعاً لِأَصْحَابِهِ، اِقْرَؤُوا الزَّهْرَاوَيْنِ الْبَقَرَةَ وَ آلَ عِمْرَانَ فَإِنَّهُمَا يَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ أَوْ غَيَايَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَّافٍ يُحَاجَّانِ عَنْ أَصْحَابِهِمَا. اِقْرَؤُوا سُورَةَ الْبَقَرَةِ فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَةٌ، وَ تَرْكُهَا حَسْرَةٌ، وَ لَا تَسْتَطِيعُهَا الْبَطَلَةُ».[2]

اَلثَّانِي: وَ عَنْ عَبْدِاللّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اِقْرَأْ وَارْتَقِ وَ رَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَؤُهَا».[3]

---

۱. رواه ابن‌حبان في صحيحه في حديث طويل.
۲. رواه مسلم.
۳. رواه الترمذي و أبو داود، و ابن‌ماجه، و ابن‌حبان في صحيحه. و قال الترمذي: حديث حسن صحيح.

وصیت چهل و یکم
«تقوای خدای عزیز و جلیل»

از ابوذرﷺ روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول خدا! مرا وصیت کن. فرمود: «تو را به تقوای خدا وصیت می‌کنم، که تقوا اساس تمام کارِ (دین) است. گفتم: ای رسولِ خدا! مرا وصیت دیگری بفرما. فرمود: «بر تو باد به تلاوت قرآن و ذکر خدای تعالی، که در زمین برایت نور است و در آسمان برایت ذکر (خیر در جمع ملائکه و مقرّبان) است».

ابن‌حبان آن را در صحیحش در حدیثی طولانی روایت کرده است.

برای فایده‌ی بیشتر، دو حدیث زیر را در فضل تلاوت قرآن روایت می‌کنیم.

اول: از ابی‌امامهﷺ روایت شده است که گفت: از نبیﷺ شنیدم که می‌فرمود: «قرآن را بخوانید که همانا قرآن روز قیامت یارانش را شفاعت می‌کند؛ دو سوره‌ی درخشانِ بقره و آل عمران را بخوانید که همانا آن دو سوره روز قیامت می‌آیند گویی دو لکه ابر یا دو چیز سایه دارند و یا دو گروه از پرندگانِ پرگشوده و در حالِ پرواز هستند که برای قاریان آن دو سوره حجت می‌آورند (از آنان دفاع می‌کنند). سوره‌ی بقره را بخوانید به راستی که قرائت کردن آن برکت و ترک قرائت آن حسرت است و ساحران توان خواندن آن سوره را ندارند».

مسلم آن را روایت کرده است.

دوم: از عبدالله بن عمرو بن العاص ـ خداوند از هردو راضی باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «به دوست و یار (قاری و

داننده‌ی) قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا بیا و تلاوت کن چنان‌که در دنیا تلاوت می‌کردی که همانا مقام و منزلت تو در کنار آخرین آیه‌ای است که تلاوت می‌کنی».

ترمذی و ابوداود و ابن‌ماجه آن را روایت کرده‌اند و ابن‌حبان نیز در صحیحش روایت کرده و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیحی است.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّانِيَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

«طُرُقُ الْأَنْفاقِ»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: أَتَىٰ رَجُلٌ مِنْ تَمِيمٍ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي ذُو مَالٍ كَثِيرٍ، وَ ذُو أَهْلٍ وَ مَالٍ وَ حَاضِرَةٍ، فَأَخْبِرْنِي كَيْفَ أَصْنَعُ، وَ كَيْفَ أُنْفِقُ؟ فَقَالَ رسول اللّٰه ﷺ: «تُخْرِجُ الزَّكَاةَ مِنَ مَالِكَ فَإِنَهَا طُهْرَةٌ تُطَهِّرُكَ، وَ تَصِلُ أَقْرِبَاءَكَ، وَ تَعْرِفُ حَقَّ الْمِسْكِينِ وَ الْجَارِ وَ السَّائِلِ.[1]

وصیت چهل و دوم

«راه‌های انفاق (بخشش)»

از انس بن مالک رضي الله عنه روایت شده است که گفت: مردی از طایفه‌ی تمیم نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من صاحب مال فراوان و خانواده و ثروت و قبیله‌ی زیادی هستم، به من بفرمایید که چگونه عمل کنم و چگونه ببخشم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «زکات را از مالت بیرون می‌کنی زیرا زکات پاکیزگی‌ای است که تو را پاک می‌کند و خویشاوندانت را سرکشی و کمک می‌کنی و حقّ فقیر و همسایه و گدا را هم به جا می‌آوری».

احمد آن را روایت کرده و روایت کنندگانِ آن راویانِ احادیثِ صحیح هستند».

---

۱. رواه أحمد و رجاله رجال الصحيح.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّالِثَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

«دُعَاءٌ لِذَهَابِ الْهَمِّ وَ سَدَادِ الدَّيْنِ»

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخِدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمِ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ أَبُو أُمَامَةَ جَالِسٍ فِيهِ فَقَالَ: «يَا أَبَا أُمَامَةَ! مَا لِي أَرَاكَ جَالِساً فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ؟» قَالَ: هُمُومٌ لَزِمَتْنِي وَ دُيُونٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ! قَالَ: «أَفَلَا أُعَلِّمُكَ كَلَاماً إِذَا قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ هَمَّكَ، وَ قَضَىٰ عَنْكَ دَيْنَكَ؟ قُلْ، إِذَا أَصْبَحْتَ وَ إِذَا أَمْسَيْتَ: اَللّٰهُمَّ! إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَ قَهْرِ الرِّجَالِ»، قَالَ: فَفَعَلْتُ ذٰلِكَ فَأَذْهَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَمِّي وَ قَضَى عَنِّي دَيْنِي[1].

وصیت چهل و سوم

«دعا برای از بین رفتنِ غم و پرداخت بدهی»

از ابی‌سعید خِدری رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ روزی داخل مسجد شد و در آن‌جا، به مردی از انصار که به او ابوامامه می‌گفتند و نشسته بود، برخورد کرد فرمود: «ای ابا امامه! چه شده که تو را در غیرِ وقت نماز در مسجد نشسته می‌بینم؟» گفت: ای رسول خدا! غم‌ها و قرض‌هایی دارم. فرمود: «آیا به تو کلامی یاد ندهم که هرگاه بگویی خداوند تعالی غمت را از بین ببرد و قرضت را ادا کند؟ در وقت بام‌داد و شام‌گاه، بگو: «اَللّٰهُمَّ! إِنِّي

---

۱. رواه أبوداود عن أبی سعید رضی الله عنه.

أَعُوذُبِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ أَعوذُ بكَ مِنَ العَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ أَعوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ أَعوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَ قَهْرِ الرِجالِ»

ترجمه‌ی دعا: «خداوندا! من از غم و اندوه به تو پناه می‌برم و از ناتوانی و سستی و تنبلی به تو پناه می‌برم و از ترس و بخل به تو پناه می‌برم و از غلبه و سلطه‌ی قرض و قهر و تسلط مردان به تو پناه می‌برم». ابوسعید گفت: من این کار را کردم و خداوند عزیز و جلیل غمم را از بین برد و قرضم را ادا کرد.

ابوداود آن را از ابی سعید ﷺ روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الرَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

«دُعَاءٌ يُقَالُ عِنْدَ النَّوْمِ»

عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «يَا فُلَانُ! إِذَا أَوَيْتَ إِلَىٰ فِرَاشِكَ فَقُلْ: «اَللّٰهُمَّ! أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً إِلَيْکَ وَ رَهْبَةً لاٰ مَلْجَأَ وَ لاٰ مَنْجَا مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَ بِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ، مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَ إِنْ أَصْبَحْتَ أَصَبْتَ خَيْراً».[1]

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَيْنِ الْآتِيَيْنِ:

اَلاَوَّل: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِي رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ (ثَلاثَ مَرَّاتٍ)، غَفَرَاللّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ، وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلٍ عَالِجٍ، وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا».[2]

اَلثَّانِي: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «مَنْ قَالَ إِذَا أَوَىٰ إِلَىٰ فِرَاشِهِ: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَفَانِي وَ آوانِي وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي وَ سَقَانِي وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، فَقَدْ حَمِدَ اللّهَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ».[3]

---

۱. متفق عليه.
۲. رواه الترمذي.
۳. رواه البيهقي.

وصیت چهل و چهارم
«دعایی که وقت خواب گفته می‌شود»

از ابوعماره براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «ای فلانی! آن گاه که به بستر خواب می‌روی، بگو: «اَللّٰهُمَّ! أَسْلَمْتُ نَفْسي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهيَ إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْري إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْري إِلَيْكَ رَغْبَةً وَ رَهْبَةً إِلَيْکَ لاٰ مَلْجَأَ وَ لاٰ مَنْجَا مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتابِكَ الَّذي أَنْزَلْتَ وَ بِنَبِيِّكَ الَّذي أَرْسَلْتَ»: «خداوندا! نفسم را به تو تسلیم نمودم و به جانب تو رو کردم و کارم را به تو واگذار کردم و از روی رغبت و ترس به تو پشت بستم. هیچ پناه‌گاه و سببِ نجاتی (برای رهایی) از (عذاب) تو جز سوی تو (آمدن) وجود ندارد. به کتابی که نازل کرده‌ای و به پیامبری که فرستاده‌ای ایمان آوردم». اگر در همان شب مردی بر فطرتْ (فطرت الهی پاکِ خود) مرده‌ای و اگر صبح کردی (نمردی)، به خیری دست خواهی یافت.

بخاری و مسلم بر آن اتفاق نظر دارند.

اول: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که گفت: نبی ﷺ فرمود: «هرکس وقتی به رختخواب می‌رود سه بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لاٰ إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيّومُ وَ أَتوبُ إِلَيْهِ»: «از خدایی که هیچ خدایی جز او نیست و زنده و پابرجاست طلب آمرزش می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم و توبه می‌کنم»، خداوند گناهانش را اگر چه مثل کف دریا و به اندازه‌ی تعداد برگ‌های درختان و توده‌های ریگ و تعداد روزهای دنیا هم باشد، می‌آمرزد».

ترمذی آن را روایت کرده است.

دوم: از انس بن مالکؓ روایت شده که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «آن کس که وقتی به بستر خواب می‌رود می‌گوید: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَ آوانِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أطْعَمَنِي وَ سَقَانِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ**»: «سپاس و ستایش خداوندی راست که مرا کفایت کرده و پناه داده است، حمد و سپاس خداوندی را سزاست که مرا طعام و آب داده است، ستایش و سپاس از آنِ خداوندی است که بر من منّت نهاده و فضل فرموده است»، به راستی که خداوند را با سپاس و ستایش تمام مخلوقات حمد ستایش کرده است.

بیهقی آن را روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

«مَنْ أَصَابَهُ أَرَقٌ بِاللَّيلِ»

قَالَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ ﵁: شَكَوْتُ إِلَىٰ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ أَرَقاً أَصَابَنِي، فَقَالَ: «قُلْ: اَللّٰهُمَّ! غَارَتِ النُّجُومُ وَ هَدَأَتِ الْعُيونُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لاَ تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لاَنَوْمٌ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ! أَهْدِىءْ لَيْلِي وَ أَنِمْ عَيْنِي»، فَقُلْتُهَا فَأَذْهَبَ اللّٰهُ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ.[1]

وَ اسْتِكْمَالاً لِلْفَائِدَةِ، نَذْكُرُ الْحَدِيثَ التَّالِي:

عَلَّمَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ خَالِدَ بَنَ الْوَلِيدِ حِينَ اعْتَرَاهُ الْأَرَقُ أَنْ يَقُولَ: اَللّٰهُمَّ! رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَاراً مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعاً أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ أَنْ يَطْغَى، عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ».

وَ فِي رِوَايَةٍ: «وَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ».[2]

وصیت چهل و پنجم

«کسی که شب‌ها دچارِ بی‌خوابی می‌شود»

زید بن ثابت می‌گوید: از بی‌خوابی‌ای که بدان دچار شده بودم به رسول خدا ﷺ شکایت بردم. فرمود، بگو: «**اَللّٰهُمَّ! غَارَتِ النُّجُومُ وَ هَدَأَتِ الْعُيونُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لاَ تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لاَنَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِىءْ لَيْلِي وَ أَنِمْ عَيْنِي**»: «خداوندا! ستارگان فرو شدند و غروب نمودند و چشم‌ها

---

۱. أخرجه ابن‌السني.

۲. رواه الترمذي و الطبراني كما في الترغيب.

آرمیدند و به خواب رفتند در حالی‌که تو زنده و پاینده و نگهدار و گرداننده‌ی امور جهانی که تو را نه چرتی فرا می‌گیرد و نه خوابی ای زنده و پاینده! شبم را آرام کن چشمم را به خواب بر». زید می‌گوید: من هم آن را گفتم و بر اثر آن، خداوند بی‌خوابیم را از من برداشت.

ابن‌السنی آن را تخریج کرده است.

برای فایده‌ی بیشتر، حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

رسول خدا ﷺ به خالد بن ولید وقتی که بی‌خوابی او را دربرگرفته بود یاد داد که بگوید: «**اَللّٰهُمَّ! رَبَّ! السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْاءَرْضِينَ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَاراً مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعاً أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ أَنْ يَطْغَى، عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ**»: «خداوندا! ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و آن‌چه که آسمان‌ها بر آن‌ها سایه افکنده‌اند و ای پروردگار زمین‌ها و آن‌چه که برداشته‌اند و ای پروردگار شیطان‌ها و آن‌چه که گمراه کرده‌اند! از بدی تمام مخلوقاتت و از این که یکی از ایشان به من آزار رساند و طغیان کند پناهم باش زیرا جوارِ تو ارجمند و ستایش تو بزرگ است».

و در روایتی دیگر، آمده است: «**وَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**»: «نام تو والا و منزه است و هیچ خدایی جز تو نیست».

چنان‌که در کتاب الترغیب آمده است، ترمذی و طبرانی آن را روایت کرده‌اند».

اَلْوَصِيَّةُ السَّادِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ

«الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا»

عَنْ اِبْنِ عُمَرَ ـ رضي الله عنهما ـ قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سِبِيلٍ، وَ عُدَّ نَفْسَكَ مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ».

وَ كَانَ ابْنُ عُمَرَ رضي الله عنه يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، وَ إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ، وَ خُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَ مِنْ حَيَاتِكَ لَمَوْتِكَ». [1]

وصیت چهل و ششم

«زهد (بی‌رغبتی) در دنیا»

از ابن‌عمر ـ خداوند از هردو راضی باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ کتفم را گرفت و فرمود: «در دنیا آن‌گونه باش که گویی یک غریب یا مسافر و رونده‌ی راهی هستی و خودت را از از اهل قبرها (مردگان) به حساب بیاور».

ابن‌عمر رضي الله عنه می‌فرمود: «هرگاه روز را به شب رساندی، منتظر صبح مباش و هرگاه هم شب را به صبح رساندی، منتظر شب مباش (هر لحظه منتظر مرگ باش) و از سلامت و عافیتت برای بیماریت بگیر و از زندگیت برای مرگت بگیر (دوران سلامتت را قبل از بیماری و دوران زندگیت را قبل از مرگ غنیمت بدان)».

بخاری آن را روایت کرده است.

---

۱. رواه البخاري.

اَلْوَصِيَّةُ السَّابِعَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

«كَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ»

وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَغَطُهُ، فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذٰلِكَ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذٰلِكَ».[1]

وصیت چهل و هفتم

«کفاره‌ی[2] مجلس»

از ابی‌هریره رضي الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس در مجلسی نشست و در آن‌جا سخنانِ گناه‌آلود و بیهوده‌ی زیاد گفت و سپس، قبل از این‌که از مجلسش برخیزد این دعا را خواند: «سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَيْکَ»: «خداوندا! پاک و منزهی و به ستایش تو می‌پردازم شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز تو نیست، از تو طلب آمرزش می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم»؛ قطعاً هر آن‌چه از چنان سخنانی که در آن مجلس مرتکب شده است، آمرزیده می‌شود».

ابوداود و ترمذی و نسائی آن را روایت کرده‌اند. لفظ حدیث نیز از ترمذی است و نیز، ابن‌حبان در صحیحش روایت کرده است.

---

۱. رواه أبوداود والترمذي و اللفظ له، و النسائي و ابن‌حبان في صحيحه.
۲. کفاره: آن‌چه که بدان گناه را جبران و از آن استغفار می‌کنند مانند صدقه.

الوصية الثامنة والأربعون

«فی فَضلِ التَّسبيح»

وَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ﵁ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللّهِﷺ: «أَلا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللّهِ؟» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّهِ! أَخْبِرْنِي بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللّهِ، فَقَالَ: «إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللّهِ سُبْحَانَ اللّهِ وَ بِحَمْدِهِ».[۱]

وَ فِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ أَنَّ رَسُولَ اللّهِﷺ سُئِلَ: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «مَا اصْطَفَى اللّهُ لِمَلَائِكَتِهِ، أَوْ لِعِبَادِهِ:سُبْحَانَ اللّهِ وَ بِحَمْدِهِ»

وَ إِتْمَاماً لِلْفَائِدَةِ، نَرْوِي الْحَدِيثَيْنِ الْآتِيَيْنِ:

اَلْأَوَّلُ: عَنْ عَبْدِاللّهِ بْنِ عَمْرٍو﵁ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ بِهَا نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ».[۲]

اَلثَّانِي: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ﵁ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمٰنِ، سُبْحَانَ اللّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللّهِ الْعَظِيمِ».[۳]

وصیت چهل و هشتم

«در فضل تسبیح (سبحان‌الله گفتن)»

از ابوذر﵁ روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ به من فرمود: «آیا تو را از دوست داشتنی‌ترین کلام نزد خدا با خبر نکنم؟ گفتم: ای رسول خدا!

۱. رواه مسلم و النسائي.
۲. رواه البزار بإسناد جيد.
۳. رواه البخاري و مسلم و الترمذي.

از محبوب‌ترین کلام نزد خدا مرا با خبر کن. فرمود: بی‌شک محبوب‌ترین کلام نزد خداوند "سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ" است».

مسلم و نسائی آن را روایت کرده‌اند.

و در روایتی از مسلم آمده است که از رسول خداﷺ سؤال شده چه کلامی بافضیلت‌تر است؟ فرمود، «آن چه که خداوند برای فرشتگان ـ یا ـ بندگانش برگزیده است و آن "سَبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ" است».

برای فایده‌ی بیشتر، دو حدیث زیر را هم روایت می‌کنیم.

اول: از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «هرکس بگوید: "سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ"، به پاداشِ آن ذکر، درخت خرمایی برایش در بهشت کاشته می‌شود».

بزاز آن را با اِسنادی نیکو روایت کرده است.

دوم: از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «دو کلمه وجود دارد که (تلفظ آن) بر زبان سبک و آسان و (پاداش آن) در میزان سنگین و نزد خدای رحمان محبوب است و آن، "سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ" است».

بخاری و ترمذی آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ التَّاسِعَةُ وَالأَرْبَعُونَ

«غِرَاسُ الْجَنَّةِ»

وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ مَرَّ بِهِ وَ هِوَ يَغْرِسُ غِرْساً فَقَالَ: «يَا أَبَا هُرَيْرَةَ! مَا الَّذِي تَغْرِسُ؟» قُلْتُ: غِرَاساً، قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غِرَاسٍ هُوَ خَيْرٌ مِنْ هٰذَا؟ تَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَهِ وَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، يُغْرَسُ لَكَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ مِنْهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ».[1]

وصیت چهل و نهم

«کاشتِ بهشت»

از ابی‌هریره ﷺ روایت شده است که گفت: من داشتم درختی می‌کاشتم که پیامبر ﷺ بر من گذشت و فرمود: «ای ابوهریره! چه می‌کاری؟» عرض کردم: درخت می‌کارم. فرمود: «آیا تو را به کاشتنِ دیگری راهنمائی نکنم که بهتر از این درخت است؟ آن کاشتن این است که بگویی: «**سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَهِ وَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**»: «خدا پاک و منزه است و حمد و ستایش خداوند راست و هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و الله بزرگ‌تر از آن است که توصیف شود»، که به هر کلمه‌ای از آن کلمات برایت درختی در بهشت کاشته می‌شود».

ابن‌ماجه با اِسنادی حسن آن را روایت کرده و لفظ حدیث هم از اوست. حاکم نیز آن را روایت کرده و گفته است: اسناد آن صحیح است.

---

۱. رواه ابن‌ماجه بإسناد حسن و اللفظ له و الحاکم و قال صحیح الإسناد.

اَلْوَصِيَّةُ الْخَمْسُونَ

«تَعْوِيذَةٌ مِنَ الْعَقْرَبِ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّهِ! مَا لَقِيتُ مِنَ عَقْرَبٍ لَدَغَتْنِي الْبَارِحَةَ! قَالَ: «أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ تَضُرُّكَ».[1]

وَ لَفْظُهُ: «مَنْ قَالَ حِينَ يُمْسِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التَّامَّاتِ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرُّهُ حُمَةٌ تِلْكَ اللَّيْلَةِ. قَالَ سُهَيْلٌ: فَكَانَ أَهْلُنَا تَعَلَّمُوهَا فَكَانُوا يَقُولُونَهَا كَلَّ لَيْلَةٍ فَلُدِغَتْ جَارِيَةٌ مِنْهُمْ فَلَمْ تَجِدْلَهَا وَجَعاً.[2]

وصیت پنجاهم

«دعای مصون ماندن از نیش عقرب»

از ابی‌هریره رضي الله عنه روایت شده است که گفت: مردی نزد پیامبرﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! عقربی دیشب مرا گزید! فرمود: «اگر اول شب می‌گفتی: "أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّه التَّامَّاتِ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ": «به کلمات مقدّس و تام و کامل خدا از بدی آن‌چه که آفریده پناه می‌برم»، به تو زیانی نمی‌رساند.

مالک و مسلم و ترمذی آن را روایت کرده‌اند و ترمذی آن حدیث را حسن دانسته. و لفظ روایت وی این است:

هرکه شب هنگام سه بار بگوید: "أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّه التَّاماتِ مِن شَرِّ مَا

---

۱. رواه مالك و مسلم و الترمذي و حسنه.

۲. رواه ابن‌حبان في صحيحه.

خَلَق"، در آن شب، نیشِ زهرآگینِ هیچ گزنده‌ای به او زیانی نمی‌رسانَد.
سهیل می‌گوید: خانواده‌ی ما دعا را آموخته بودند و هر شب آن را می‌گفتند و یک بار کنیزی از میان ایشان گزیده شد ولی او از آن گزش هیچ دردی احساس نکرد.

ابن‌حبان آن را در صحیحش روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الْحادِيَةُ وَالْخَمْسُونَ

«دُعاءٌ لِسَدادِ الدَّيْنِ»

عَنْ عَائِشَةَ ـ رضي اللّه عنها ـ قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبُوبَكْرٍ فَقَالَ: سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللّهِﷺ دُعاءً عَلَّمَنِيهِ، فَقُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: كَانَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ يُعَلِّمُ أَصْحَابَهُ قَالَ: لَوْ كَانَ عَلَى أَحَدِكُمْ جَبَلٌ ذَهَباً دَيْناً فَدعَا اللّهَ بِذٰلِكَ لَقَضَاهُ اللّهُ عَنْهُ: «اَللَّهُمَّ! فَارِجَ الْهَمِّ كَاشِفَ الْغَمِّ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا! أَنْتَ تَرْحَمُنِي فَارْحَمْنِي بِرَحْمَةٍ تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ». قَالَ أَبُوبَكْرٍ: فَكُنْتُ أَدْعُو اللّهَ بِذٰلِكَ فَأَتَانِيَ اللّهُ بِفَائِدَةٍ فَقُضِيَ عَنِّي دَيْنِي.

وَ قَالَتْ عَائِشَةُ ـ رضي اللّه عنها ـ. فَكُنْتُ أَدْعُو بِذٰلِكَ الدُّعَاءِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيراً حَتَّىٰ رَزَقَنِي اللّهُ رِزْقاً مَا هُوَ بِصَدَقَةٍ تُصَدِّقُ بِهَا عَلَيّ، وَ لَا مِيرَاثٍ وَرِثْتُهُ، فَقَضَىٰ اللّهُ عَنِّي دَيْنِي، وَ قَسَّمْتُ فِي أَهْلِي قِسْماً حَسْناً، وَ حَلَّيْتُ ابْنَةَ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بِثَلَاثِ أَوَاقٍ مَن وَرَقٍ، وَ فَضَلَ لَنَا فَضْلٌ حَسَنٌ».[۱]

وصیت پنجاه و یکم

«دعا برای پرداخت بدهی»

از عایشه ـ خداوند از او راضی باد ـ روایت شده است که گفت: ابوبکر پیش من آمد و گفت: از رسول خداﷺ دعایی را شنیدم که به من یاد داد. گفتم: آنچه دعایی است؟ گفت: عیسی پسر مریم به یارانش یاد می‌داد: اگر

۱. رواه البزاز و الحاكم و الأصبهاني.

یکی از شما به اندازه‌ی کوهی از طلا هم قرض داشته باشد و خدا را با این دعا بخواند، خداوند قرضش را ادا می‌کند و آن دعا این است: "**اَللّٰهُمَّ! فَارِجَ الْهَمِّ كَاشِفَ الْغَمِّ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ رَحْمَنَ الدُّنْيَاوَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا! أَنْتَ تَرْحَمُنِي فَارْحَمْنِي بِرَحْمَةٍتُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ**": «خداوندا! ای برطرف کننده‌ی اندوه و از بین برنده‌ی غم! ای پذیرنده‌ی دعای بی‌چارگان! ای بخشنده و مهربانِ دنیا و آخرت! تو به من رحم می‌کنی، بر من رحم کن رحمی که مرا از رحمتِ غیرِ خودت بی‌نیاز کند». ابوبکرﷺ هم می‌گوید: من خدا را با این دعا می‌خواندم و خداوند سودی به من رساند که قرضم ادا شد.

عایشه ـ رضی‌الله‌عنها ـ هم می‌گوید: با این دعا، دعا می‌کردم، فقط مدت کمی بر من گذشت که خداوند مرا روزی داد روزیی که صدقه نبود که به من صدقه دهند. و میراثی هم نبود که آن را به ارث ببرم و خدا قرضم را پرداخت کرد و قسمتی را نیز در میان خانواده‌ام به شیوه‌ی خوبی تقسیم کردم و با سه اوقیه از درهم مسکوک هم دخترِ عبدالرحمن را به زیور آراستم و علاوه بر آن، مقدار زیادی نیز برایمان باقی ماند.

بزاز و حاکم و اصبهانی آن را روایت کرده‌اند.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ

«دُعَاءُ لِسَدَادِ الدَّيْنِ أَيْضاً»

قَالَ النَّبِيُّﷺ «يَا مَعَاذُ! أَلَا أُعَلِّمُكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ دَيْناً لَأَدَّاهُ اللّهُ عَنْكَ، يَا مَعَاذُ! (قُلْ): «قُلْ قُلِ اللّهُمَّ! مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُما تُعْطِيهِمَا مَنْ تَشَاءُ اِرْحَمْنِي رَحْمَةً بِهَا تُغْنِينِي عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ».[1]

وصیت پنجاه و دوم

«دعایی دیگر برای ادای بدهی»

پیامبرﷺ فرمود: «ای معاذ! آیا دعایی به تو یاد ندهم که اگر به اندازه‌ی کوه احد هم بدهکار باشی، اگر آن را بخوانی خداوند قطعاً قرضت را ادا کند؟ ای معاذ! دعا این است، بگو: «﴿قُلِ اللّهُمَّ! مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تُنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ على كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ و تَرزُقُ مَن تَشاءُ بِغَيرِ حِساب﴾،[2] رَحْمٰنَ الدُّنيا وَ الآخِرَةِ وَ رَحيمَهُما تُعْطيهِما مَنْ

---

۱. رواه الطبراني عن معاذ رضی الله عنه.

۲. آل عمران: ۲۶/۲۷.

تَشاءُ اِرْحَمْني رَحْمَةً بِها تُغْنِيني عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ»: «بگو پروردگارا! ای مالکِ پادشاهی! به هرکه بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و عزّت و قدرت می‌دهی و هرکس را بخواهی خوار می‌داری، خیر در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی، شب را در روز داخل می‌گردانی (و بدین سبب شب‌ها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و روز را در شب داخل می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شب‌ها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی. ای بخشنده در دنیا و آخرت! آن دو را به هر کس که بخواهی می‌بخشی، به من رحم کن رحمتی که مرا از رحمت غیر خودت بی‌نیاز کند».

طبرانی آن را از معاذ رضی الله عنه روایت کرده است.

اَلْوَصِيَّةُ الثَّلَاثَةُ وَالْخَمْسُونَ

«فِي الدُّعَاءِ»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه، أَنَ أَبَابَكْرٍ الصِّدِّيقِ رضي الله عنه قَالَ: يَا رَسُولَ اللّهِ ﷺ! مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أُقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَ إِذَا أَمْسَيْتُ: قَالَ: قُلْ: «اَللَّهُمَّ! فاطِرَ السَّموٰاتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَليكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيطانِ و شِرْكِهِ». قَالَ: «قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَ إِذَا أَمْسَيْتَ، وَ إِذَا أَخَذْتَ مَضْجِعَكَ».[1]

وصيت پنجاه و سوم

«در دعا»

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: ای رسول خداﷺ! کلماتی را به من بفرما که در صبح و شام آن‌ها را بگویم. رسول فرمود: بگو: «اَللَّهُمَّ! فاطِرَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَليكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيطانِ و شِرْكِهِ»: «خداوندا! ای پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین! و ای آگاه از آنچه پنهان و آشکار است! ای پروردگار و پادشاه هر چیزی! گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز تو نیست، از بدی و شرّ نفسم و از شر شیطان و شرکش به تو پناه می‌برم». رسولﷺ فرمود: «این دعا را صبح و شب‌ها و نیز هرگاه که به بستر خواب رفتی، بخوان».

---

۱. رواه أبوداود و الترمذي و قال حديث حسن صحيح.

ابوداود و ترمذی آن را روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است که: حـدیث حسن صحیحی است.

الوصية الرَّابعةُ والخَمسون

«في الدُّعاءِ أيضاً»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّـهِﷺ لِـفَاطِمَةَ ـرضـي اللّـه عنها ـ: مَا يَمْنَعُكِ أَنْ تَسْمِعِي مَا أُوصِيكِ بِـهِ؟ أَنْ تَـقُولِي إِذَا أَصْـبَحْتِ وَ إِذَا أَمْسَيْتِ: يا حَيُّ يا قَيّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغيثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ».[۱]

وصیت پنجاه و چهارم

«حدیثی دیگر دربارهٔی دعا»

از انس بن مالک رضي الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ به فاطمه ـ خداوند از او راضی باد ـ فرمود: «آن‌چه راکه به تو وصیت می‌کنم گوش بده و عمل کن! هر صبح و شام بگو: «**یا حَيُّ یا قَیّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغیثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسي طَرْفَةَ عـینٍ**»: «ای زنـده و پـاینده و گرداننده‌ی جهان! من به رحمتت پناه می‌برم، تمام کارهایم را اصلاح کـن و یک چشم بر هم زدن نیز مرا به خودم وامگذار».

نسائی آن را روایت کرده و بزاز نیز با اِسنادی صحیح آن را روایت کرده است.

۱. رواه النسائي و البزار بإسناد صحيح.

اَلْوَصِيَّةُ الْخَامِسَةُ وَالْخَمْسُونَ

«بِاتِّخَاذِ الْمَسَاجِدِ فِي الدُّورِ»

عَنْ عَائِشَةَ ـ رضي الله عنها ـ قَالَتْ: «أَمَرَ رَسُولُ اللّهِ بِبِنَاءِ الْمَسَاجِدِ فِي الدُّورِ وَ أَنْ تُنَظَّفَ وَ تُطَيَّبَ».[۱]

وَ عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جَنْدَبَ ﷺ قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللّهِ ﷺ أَنْ نَتَّخِذَ الْمَسَاجِدَ فِي دِيَارِنَا وَ أَنْ نَنْظِفَهَا.[۲]

وصیت پنجاه و پنجم

«وصیّت به ایجاد جاهای نماز (مساجد) در خانه‌ها»

از عایشه ـ رضی‌الله‌عنهما ـ روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ به ساختن مساجد در خانه‌ها و پاک و خوش‌بو کردن آن‌ها امر فرموده است.

احمد و ترمذی و ابوداود آن را روایت کرده‌اند و ابوداود گفته است: حدیث صحیحی است.

از سمرةبن جندب ـ خدا ازو خشنود باد ـ روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ به ما امر فرمود که در خانه‌هایمان جای مخصوص نماز (مسجد) بسازیم و آن‌ها را نظیف و پاک کنیم.

احمد و ترمذی آن را روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث صحیحی است».

---

۱. رواه أحمد و الترمذي و أبوداود و قال حديث صحيح.

۲. رواه أحمد و الترمذي و قال حديث صحيح.

«خَاتِمَةُ الْوَصَايَا»

أَخْتَتِمُ هٰذِهِ الْوَصَايَا الشَّرِيفَةَ بِوَصِيَّةِ سَيِّدِنَا إِبْرَاهِيمَ ـ عَلَيْه الصَّلاةُ وَ التَّسْلِيمُ ـ لِأُمَّةِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍﷺ:

وَ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِﷺ: «لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ ـ عَلَيْهِ السَّلامُ ـ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَقْرِىءْ أُمَّتَكَ مِنِّي السَّلامَ، وَ أَخْبِرْهُمْ أَنَّ الْجَنّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ، عَذْبَةُ الْمَاءِ، وَ أَنَّهَا قِيعَانٌ، وَ أَنَّ غِرَاسَهَا: سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكبَرُ».

وَزَادَ: «وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ».

وَ صَلَّى اللّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ.
وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

خاتمه‌ی وصیت‌ها

این وصایای شریف را به وصیت سرورمان حضرت ابراهیم ـ سلام و درود بر او باد ـ برای امت سرورمان محمدﷺ ختم می‌کنم.

از ابن‌مسعود رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خداﷺ فرمود: «در شبی که به اسرا (و معراج) برده شدم، با ابراهیم ملاقات کردم. او گفت: ای محمد! از جانب من به امتت سلام برسان و به ایشان خبر بده که خاکِ بهشت پاک و آبش گوارا و زمینش هموار و نرم است و درختان کاشته شده‌اش "سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكبَر" است: «پاک و منزه است خدا و ستایش خداوند راست و هیچ خدایی جز الله نیست و خداوند بزرگ‌تر از آن است که توصیف شود».

ترمذی آن را روایت کرده و طبرانی نیز در کتاب الصغیر و الاوسط آن را روایت کرده و بر اذکار فوق این ذکر را هم اضافه کرده است "**وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ**". هیچ خواست و اراده و نیرو و توانی جز با تکیه بر خدا وجود ندارد.

و صلَّی اللّه علی سیِّدنا محمَّدٍ و علی آله و صحبِه و سلَّم و سلامٌ علی المرسین و الحمدُ للّهِ ربِّ العالمین.

فاروق فتحی

جوانرود ۷۵/۶/۱۲